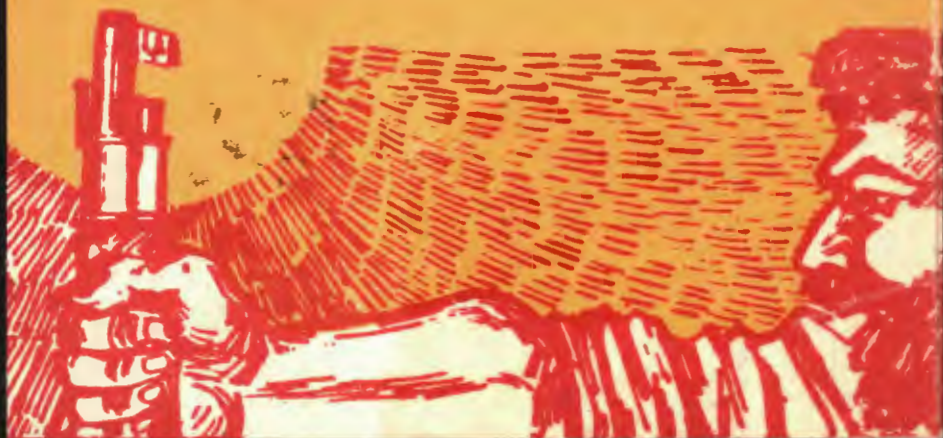


آفت‌هائی که

انقلاب و پاسداری از اسلام

را تهدید می‌کند

مرتضی نوروزی



۱۳۳۳

۱۳۳۴

۱۳۳۵

۱۳۳۶

۱۳۳۷

۱۳۳۸

۱۳۳۹

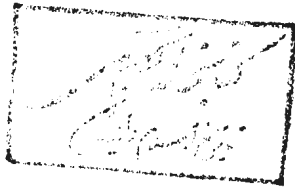
۱۳۴۰

سری ماحث:
عقیدتی-مکبی

۳

انتشارات دارالعلم

قم - خیابان ارم تلفن : ۲۴۲۹۱



سری مباحث عقیدتی، مکتبی (۳)

آفت‌های که

انقلاب و پاسداران اسلام

را تهدید میکند

نویسنده: مرتضی نوروزی

بسم الله الرحمن الرحيم

مشخصات کتاب

نام کتاب * آفت‌های که انقلاب و پاسداران اسلام را تهدید
می‌کند

نویسنده * مرتضی نوروزی

محل پخش : انتشارات دارالعلم و دارالکتاب قم خیابان ارم

تیراژ * ۱۰۰۰۰ نسخه

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على

محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم

أجمعين

آنچه را که در این دفتر مطالعه میفرمایید خصوصیات و خط و
مشی سپاهیان اسلام و امت حزب الله عبارت دیگر ضمن شناختن
ویژگیهای پاسداران اسلام، آفتی که انقلاب و نگهبانان
حدود الهی و پاسداران سکتب تشیع و حافظان مرزهای خداوندی
را تهدید میکند را نظرتان خواهد گذشت.

در این مکتوب نیز همچون سری مباحث دیگر سعی بر آن
داشته ام مطالبی را که در کلاسهای درس در بعضی از شهرستانهای
(استان فارس، خوزستان، خراسان، آذربایجان شرقی و
مری، اصفهان و...) در نهادهای و ارکانهای انقلابی و امور
تربیتی آموزش و پرورش و سپاه و جهاد و... بحضور برادران
خواهران پاسدار و فرهنگی و جهادی و دبیران محترم و

دانش آموزان عزیز حزب الهی تدریس نموده ام و وظیفه الهی خویش را از این طریق انجام داده ام .

اینک مباحث تدریس شده را بصورت مشروحتر در این کتاب نگاشته که از حضورتان میگذرد .

انشاء الله میداست با مطالعه این دروس در ۶ جلد کتابی که حقیر توفیق نگارش آنها را یافته ام به وعده داده شده به جوانان حزب الله در مورد چاپ و ارسال این کتب برشته تحریر درآمده که مکرراً "از ما خواسته اند تا در فرستادن این نوشتجات بدستشان اقدام نمائیم موفق شده و بدین خود را بخدا و امت حزب الله و شهید پرور و حافظان حدود الهی ، انجام داده باشم . و از فضلا محترم و اساتید عزیز و خوانندگان گرامی خواهشمند است اگر احیاناً اشتباهی در قلم و چاپ مشاهده نمودید با تذکر و تصحیح ، مرا در چاپهای آینده کتب راهنمایی نمائید ضمناً " خدای نخواسته اگر در همه این نوشتجات (۶ جلد سیری مباحث عقیدتی ، مکتبی) مطلبی را دیدید که بر علیه اسلام نوشته شده است بر شماست که رفع شبهه نموده و مرا هدایت کنید .

در خاتمه از خداوند متعال ، اخلاص و سعی و کوشش بیشتر در برداشتن گامی بهتر در "صراط مستقیم و صراط الذین انعمت علیهم" بما عنایت بفرماید و هرگز مرا بخود وا نگذارد و در مسیر خویش مرا ثابت قدم نگهدارد قم مرتضی نوروزی نقده ای

اولین آفت

اختلاف

درس اول



وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (۱):

یکی از ویژگیهای امت مسلمان، مردم انقلابی با ایمان، پاسداران قرآن، حافظان اسلام، بویژه روحانیون متعهد و مسئولی که بعنوان پاسداران اسلام و نگهبانان حدود الله به شمار میروند متحد بودن و دست اتحاد بهم دادن و بر حذر بودن و تحذیر نمودن مردم از هر نوع تفرقه و نفاق و اختلافی است که در جامعه مسلمین به اشکال مختلف بروز کرده و جلوه گر میشود.

آری، اختلاف، بزرگترین آفت نهضت است و مهمترین آفت درون سپاه اسلام و لشکر اسلام اختلاف بوده و میسرترین و بهترین طریق رهائی از اختلاف و سهل ترین مسیر رسیدن به هدف، و آسانترین راه پیروزی نهائی و کسب افتخارات پی در پی الهی و بثمر رساندن احکام عالیلهی و اسلامی، گوش

فرادادن به فرامین و اوامر خداوند تبارک و تعالی و رسول
 الله و ائمه اطهار علیهم السلام است که امروزه فرامیین و
 دستورات ایزدمنان و پیا میراکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم
 الصلوٰه و السلام بدست نائب برحق حضرت ولی عصر امام زمان
 علیه السلام حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی (مدظله
 العالی) به اجراء درمی آید که وظیفه هر فرد مسلمان و مؤمن به
 انقلاب این است که از دستورات آن رهبر عظیم الشان اطاعت
 کرده و مطیع اوامرش باشند. آری اطاعت و فرمانبرداری از
 دستورات امام و یاران با وفایش یعنی روحانیت متعهد و
 مسئول و عالم و عامل در خط مستقیم الهی اش که پاسداران
 حریم تشیع هستند وظیفه همه ماهاست. همینها تکیه از درون
 امت و از خود ملت بیرون آمده و حفاظت از دستاوردهای انقلاب
 و اسلام را به عهده گرفته اند و شربت شهادت را نخستین بار در
 صفوف مقدم آنها نوشیده اند. و خلاصه اینها هستند که امت را از
 خود و خود را از امت شهید پرور اسلامی ایران جدا نکرده و مردم
 انقلابی را دعوت به خیر کردند و دعوت به حق نمودند و جملگی
 جنگ به ریسمان عدل الهی زدند و متحد شدند و اختلافات را دور
 انداختند و مردم را از تفرقه و جدائی بر حذر داشتند و دستور و
 وظیفه خطیری که بدوش کشیده و دارند انجام داده و میدهند
 آیه ای که در اول درس مان و در صدر بحث مان آمده است گویای

همین مطالب است .

میدانیم که انقلاب و سپاه عظیم امت بپا خواستهٔ مسلمان و موء من ایران کلیهٔ قدرتهای استعماری و استبدادی و سود جورا به ترس و بیم و یاس و ناامیدی کشانده و سخت آنان را بر ضد ما واداشته است . بهمان جهت اینها بهر طریقی و به هر وسیله ای که باشد . میخواهند بین امت بپا خواسته و بسیج شده اختلاف ایجاد نمایند . ولی امت مسلمان و موء من آگاه گشته میدانند که استعمارگران از صدر اسلام تا کنون برای از بین بردن اسلام میان اُمم مسلمان تفرقه و اختلاف ایجاد نمودند و چون متوجه شده بودند تمام موفقیت مسلمین زیر سایهٔ مساوات و برادری و اتحاد و دوستی است به وسیلهٔ ایجاد اختلاف و تفرقه و دسته بندیها و نام گذاریها ، آن شیعه و این سنی است . آن صوفی و این کوفی است . آن عرب و این عجم است آن زیدی و این اسماعیلی است . آن ترک و این کرد است و ...

خلاصه به عناوین مختلف و متعدد بین امت شهید پرور و ایثارگر مسلمان بخاطر آزمان برداشتن اسلام عزیز محمدی (ص) و انقلاب شکوهمند اسلامی ، اختلاف و جدائی ایجاد کردند . بعنوان نمونه تاریخ را ورق میزنیم و نظر خواننده گرامی را به نکاتی از تاریخ جلب میکنیم :

شهرستانی ، که یک مرد شافعی مذهب است و در قرن چهارم

هجری، زندگی میکرده و تحت رهبری فکری استعمارگران زمان خود قرار گرفته و کتاب ملل و نحل را نوشته تا توانسته بی دریغ مسلمانها را در آن کتاب دسته بندی کرده و بر هر جمعیت نامی که ساخته فکر را با نش بوده گذاشته است .

در آغاز همین کتاب میگوید : اولین تنازع و تفرقه ای که در حال مرض رسول الله بین مسلمین بوجود آمد علتش این بود (طبق نقل صحیح بخاری) که اصحاب گردبستر پیا میرا کرم (ص) جمع شده بودند و یکی از آنها عمر بن خطاب بود .

رسول الله فرمود : کا غذو قلم برایم بیا و رید تا برای نما چیزی بنویسم که بعد از من گمراه نشوید .

عمر گفت : مرض برای من مردفش را آورده و هذیان میگوید و او محجور است (دیوانه شده) ما را کتاب خدا کافی است .

بین اصحاب اختلاف افتاد یکی میگفت او که هذیان نمیگوید ، خدا برگفتارش صحه گذاشته . (لَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى) (۱) .

دیگری که از حیل و مکر و خدعه گری و ترفند روز بی اطلاع نبود میگفت عمر راست میگوید مگر در قرآن همه چیز نیست ، ما به نوشته او چه احتیاج داریم و آنچنان نزاع کنا ربستر پیا میر (ص) بالا گرفت که فرمود از پیش من برخیزید ، اینجا جای جنجال و نزاع نیست .

ابن عباس همیشه می‌گفت : همهء مصیبت‌ها آنوقتی برای عالم اسلام بوجود آمد که نگذاشتند پیا مبروویتش را بکنند و سر این موضوع اختلاف شدید بین مسلمانها ایجاد کردند .

شهرستانی، معتقد است که دومین سبب تفرقه مسلمین مخالفتی بود که بعضی از اصحاب از دستور پیا مبرا کرم (ص) کردند و فرموده بود که : لشکر با اسامه به دفاع از اسلام بیرون روند و آنچنان تاکید کرده بود که می‌گفت خدا لعنت کند کسی را که از لشکر اسامه بیرون آید .

لکن با کمال تاسف آنها نیکه به فکر بدست آوردن مقام و پست و کسب ریاست بودند به بهانه آنکه نمیتوان پیا مبرا کرم (ص) را در حال مرض تنها گذاشت به این فرمان عمل نکردند و تفرقه جدائی بین مسلمانان ایجاد نمودند ...

شهرستانی : معتقد است که سومین اختلاف و تفرقه را مستقیماً " عمر بن خطاب بوجود آورد ، وقتی که پیا مبرا کرم (ص) از دنیا رفت او در خانه رسول الله ایستاد و گفت هر که بگوید محمد مرده است او را با شمشیر میکشم . چه شده که عیسی نمیرد و به آسمان برود و پیا مبرا بمیرد و وزیر زمین برود ؟

ابوبکر او را ملاقات کرد و گفت : مگر قرآن نخوانده ای که خدا میگوید : و ما محمد الا رسول ... آیه ۱۴۴ سوره آل عمران

(محمدپیا مبری همانندپیا مبران گذشته است . اگر او بمیرد یا کشته شود شما برا عقابتان برمیگردید؟) عمرگفت مثل اینکه این آیه را تا بحال نشنیده بودم . شهرستانی میگوید :

اختلاف چهارم بین مسلمین در موضوع دفن جسدپیا مبرر بود که در کجا دفن شود و به این وسیله افکار مسلمانان را مشغول کردند ، آری ای امت شهید پرور و ایثارگروای پاسداران اسلام وای نگهبانان حدود الهی و حافظان مکتب تشیع ، در این چند قضیه و ریشه های اختلاف دقت کنید که چگونه سودجویان و به اصطلاح استعمارگران در سر چنین موضوعاتی بین مسلمانان اختلاف ایجاد نمودند تا آنان را سرگرم به آن مطالب ... کنند و تا وقتی برای آنها حل اختلاف شود کارزار مسدود و مسئله خلافت را به نحوی که ما بیلند انجام دهند .

آری خواننده و دانش پژوه گرامی ، اگر مسلمانان بیدار و هوشیار بودند و شناخت پیدا میکردند همه متفقا " مسئله وصیت نامه را تصویب می کردند و به ندای قرآن که میفرماید :

"پیا مبر هیچگاه سخن از روی نفس نمیفرماید" گوش میدادند و همه بدون معطلی به لشکر اسامه می پیوستند زیرا آن پیا مبریکه از روی هوای نفس سخن نمیگوید بی جهت نمیفرماید (هر کس از لشکر اسامه سرپیچی کند از رحمت خدا دور باشد) و

دشمن را از مرز و بوم اسلام میراندند و پیشرفت بیشتری نصیب اسلام میکردند اما نشد، سنگ تفرقه را انداختند امت مسلمان را از ریسمان خدا دور نمودند و در تمام دور آنها تا به امروز استعمارگران از این طرح و برنامہ پیروی نموده اند ولی با تمام این دسیسہ سازیها و توطئه ها هرگز به اهداف شوم و پلیدشان دست نیافتند. زیرا بنا به فرمودہ خداوند قادر و متعال، حیلہ و مکر و خدعه و خلاصہ ترفندهای شیاطین ضعیف است و از بیـــــ رفتنی :

إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (۱):

پس امت مسلمان، مردم انقلابی با ایمان ایثارگران فی سبیل اللہ و حافظان حدود اللہ با یتی بیش از پیش با بینش اسلامی به گذشته بنگرند و در راه پیشبرد اهداف عالیہ اسلامی از گذشته پند و عبرت اخذ کنند و هوشیارانه اختلاف را خنثی کنند و از اختلاف بین خود و جامعه حذر نموده و تا میتوانند امت مسلمان را از هر تفرقه و اختلاف چه کوچک و چه بزرگ به هر شکل و وسیلہ ای کہ باشد، تحذیر کنند.

رهنمود امام به نویسندگان ، در روز عمامه گذارش:
روز ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۹۹ هجری قمری برابر با
۵۸/۵/۱ هجری شمسی بود که موفق شدم به محضر
مقدس امام امتان ، مرجع تقلید جهان تشیع ، بنیانگذار
جمهوری اسلامی ایران ، حضرت آیه ... العظمی امام
خمینی مدظله العالی ، شرفیاب شوم .

آن روز امام بزرگوار با دست مبارکش بر سر اینجانب
عمامه گذاشته و دعا فرمودند و رهنمودهایی ارائه
فرموده اند که مهم است و تاریخی و در اکثر پیامها و
سخنرانیهایش خصوصا " در کتاب میلوزه با نفس (جهاد
اکبر) بدان اشارت کرده و ما سربازان امام زمان
(سلام الله علیه) و امت اسلام را متنبه کرده اند .

ضرورت دارد جهت اجتناب و دوری از اختلاف و اتفاق
و خودخواهی و دسته بندیها ، (که بزرگترین آفت نهضت
و انقلاب شکوهمند اسلامی اختلاف است و اتفاق ، مفارقت
است و جدائی .

و بزرگترین پیروزی ... پیروزی نهضت و انقلاب اتحاد
کلمه و یکی شدن و به یک سونظر افکندن و از یکتا (الله)
یاری طلبیدن است .)

نظر امت حزب الله را (پاسداران اسلام و قرآن را ، محصلین

حوزه‌های علمیه که سربازان امام زمان سلام الله علیه هستند و در حوزه‌های علمیه تهذیب نفس می‌کنند و در صدد هستند صفات رذیله و زشت و پست را، آفات را بهر شکلی که یافتند "اول از خود و سپس از جامعه اسلامی" از بین ببرند و خنثی کنند و... و آنانکه امروز در حوزه‌ها خود سازی را آغازیده اند و فردا در جامعه دیگر سازی را خواهند آغازید) به کلام و مباحث امام خمینی که سازنده جامعه اسلامی و حوزه‌های علمیه است که با این درس و بحثان مناسبت دارد جلب می‌نمائیم :

... بدخواهان می‌دانند که حوزه‌ها از پشتیبانی ملت‌ها برخوردار است و تا روزی که ملت‌ها پشتیبان آن باشند کوبیدن و از هم پاشاندن آن ممکن نیست .

ولی آن روز که افراد حوزه‌ها، محصلین حوزه‌ها فاقد مبانی اخلاقی و آداب اسلامی شده به جان هم افتادند، اختلاف و چنددستگی درست کردند، مذهب و سنزه نبودند، به کارهای زشت و ناپسند دست زدند، قهرا "ملت اسلام" — حوزه‌ها و روحانیت بدبین شده از حمایت و پشتیبانی آنان دست می‌کشد و در نتیجه راه برای اعمال قدرت و نفوذ دشمن باز می‌گردد . اگر می‌بینید دولتها از

روحانی و مرجعی می ترسند و حساب می برند برای اینست که از پشتیبانی ملتها برخوردار است و در حقیقت از ملتها می ترسند ، و احتمال می دهند اگر اهانست ، جسارت و تعرض به یک روحانی کردند ملتها برآنان شوریده علیه آنان بپا خیزند .

لیکن اگر روحانیون با هم اختلاف کردند و یکدیگر را بدنام نموده به آداب و اخلاق اسلامی مؤدب نبودند، در جامعه ساقط شده ملت هم از دستشان می رود^۱ ملت انتظار دارند که شما روحانی و مؤدب به آداب اسلامی باشید، حزب الله باشید ، از زرق و برق زندگی و جلوه های ساختگی آن بپرهیزید، در راه پیشبرد آرمانهای اسلامی و خدمت به ملت اسلامی از هیچگونه فداکاری دریغ نورزید ، در راه حق تعالی و برای رضایت خاطر او قدم بردارید و جز به خالق یکتا به احدی توجه نداشته باشید اما اگر بر خلاف انتظار دیدند به جای توجه به ما و راه الطبیعه ، تمام همّ شما دنیا است و همانند دیگران برای جلب منافع دنیوی و شخصی کوشش می کنید، با

۱- ... قال "امیر المؤمنین ملوات الله علیه" لو ان حملنا العلم، حملوه بحقه، لاحبهم الله وملائكته واهل طاعته من خلقه ولكنهم حملوه لطلب الدنيا، فمقتهم الله وها نوا على الناس تحف العقول ص ۳۷

یکدیگر بر سر دنیا و منافع پست آن دعوا دارید، اسلام و قرآن را " العیاذ باللہ " بازیچه خود قرار داده‌اید و برای رسیدن به مقاصد شوم و اغراض کثیف و ننگین دنیایی خود دین را به صورت دکانی درآورده‌اید، منحرف می‌گردند، بدبین می‌شوند و شما مسئول خواهید بود. اگر بعضی معممین سربار حوزه‌ها روی غرض ورزیهای شخصی و جلب منافع دنیوی به جان هم افتند همدیگر را هتک کنند، تفسیق نمایند، هیا هو درست‌کنند، درتصدی بعضی امور با یکدیگر رقابت نمایند، سروصدا راه‌بیدازند به اسلام و قرآن خیانت کرده‌اند، به امانات الهی خیانت ورزیده‌اند. خدای تبارک و تعالی دین مقدس اسلام را بعنوان امانت به دست ما سپرده است، این قرآن کریم امانت بزرگ خدا است، علماء و روحانیون امانتدار الهی هستند و وظیفه دارند این امانت بزرگ را حفظ نموده به آن خیانت نکنند. این یکدندگیها و اختلافات شخصی و دنیوی، خیانت به اسلام و پیامبر بزرگ اسلام است. ***

اختلاف چرا ؟

من نمی‌دانم این اختلافات، چنددستگیها و جبهه‌بندیها برای چه می‌باشد ؟ اگر برای دنیا است ؟ شما

که دنیا ندارید . تازه اگر از لذایذ و منافع دنیوی هم برخوردار بودید جای اختلاف نبود . مگر اینکه روحانی نباشید و از روحانیت فقط عبا و عمامه‌ای بارث برده باشید ، روحانی که با ما وراء الطبیعه ارتباط دارد ، روحانی که از تعالیم زنده و صفات سازنده اسلام برخوردار است ، روحانی که خود را پیرو و شیعه علی ابن ابیطالب " علیه السلام " می داند ممکن نیست بـهـ مشتهیات دنیا توجهی داشته باشد چه رسد که بخاطر آن اختلاف راه بیندازد . شما که داعیه پیروی از حضرت " امیر المؤمنین " (ع) دارید لا اقل در زندگی آن مرد بزرگ کمی مطالعه کنید ، ببینید واقعا " هیچگونه پیروی و مشایعتی از آن حضرت می کنید ؟ آیا از زهد ، تقوی ، زندگی ساده و بی آرایش آن حضرت چیزی میدانید و بکار می بندید ؟ آیا از مبارزات آن بزرگوار با ظلم و بیدادگری و امتیازات طبقاتی و دفاع و پشتیبانی بیدریغی که از مظلومین و ستمدیدگان می کرد و دستگیریهایی که از طبقات محروم و رنج دیده اجتماع می نمود چیزی می فهمید ؟ و عمل می کنید ؟ آیا معنای شیعه تنها داشتن زی ظاهری اسلام است ؟ بنا براین فرق شما با دیگر مسلمانان که در داشتن این امور خیلی از

شیعه جلوتر و مقیدترند چه می باشد؟ شیعه چه امتیازی بر آنان دارد ؟

... ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد به حب دنیا برمی گردد و اگر در میان شما هم چنین اختلافی وجود دارد برای آنست که حب دنیا را از دل بیرون نکرده اید و از آنجا که منافع دنیا محدود می باشد هر یک برای بدست آوردن آن با دیگری به رقابت برمی خیزد شما خواهان فلان مقامید دیگری نیز همان مقام را می خواهد ، قهرا " منجر به حسادت و برخورد می گردد . لیکن مردان خدا که حب دنیا را از دل بیرون کرده هدفی جز خدا ندارند هیچگاه با هم برخورد نداشته چنین مصائب و مفاصدی بیار نمی آورند . اگر تمام پیا مبران الهی امروز در یک شهر گرد آیند هرگز با هم دوئیت و اختلاف نخواهند داشت زیرا هدف و مقصد یکی است ، دلها همه متوجه به حق تعالی بوده از حب دنیا خالی است .

اگر اعمال و کردار شما ، وضع زندگی و سلوک شما اینطور باشد که اکنون مشاهده می شود بترسید از اینکه خدای خواسته از دنیا بروید و شیعه علی بن ابیطالب "ع" نباشید بترسید از اینکه موفق به توبه نگردید و از شفاعت آن حضرت بی نصیب بمانید . پیش از آنکه فرصت از دست برود چاره بیندیشید ، از این

اختلافات مبتذل و رسوایست بردارید، این جبهه‌گیریه‌ها و دوئیتها غلط است، مگر شما اهل دولت هستید؟ مگر مذهب شما شعبه مختلف دارد؟ چرا متنبه نمی‌شوید؟ چرا با یکدیگر صفا و صداقت و برادری ندارید؟ آخر چرا...؟

این اختلافات خطرناک است، مفسد جبران ناپذیری بر آن مترتب می‌گردد، حوزه‌ها را ساقط می‌گردانند، شما را در جامعه ضایع و بی‌آبرو می‌سازد، این دسته‌بندیها فقط به زیان شما تمام نمی‌شود، تنها برای شما آبروریزی بار نمی‌آورد بلکه به ضرر آبرو و حیثیت، یک جامعه، یک ملت و به زیان اسلام تمام می‌گردد. اختلافات شما اگر مفسادی بر آن مترتب شود گناهی نابخشودنی و در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی از بسیاری معاصی اعظم است برای اینکه جامعه را فاسد کرده راه را برای نفوذ و سلطه دشمن هموار می‌سازد.

شاید دستهای مرموزی برای برهم زدن حوزه‌های علمیه نفاق و اختلاف ایجاد کند و به واسطه مختلف تخم نفاق و شقاق بپاشد افکار را مسموم، و اذهان را مشوب کرده تکلیف شرعی درست کند و با این تکلیفهای شرعی در حوزه‌ها فساد برپا نماید تا بدینوسیله افرادی که برای آتیه اسلام مفیدند ساقط گردند و نتوانند در آینده

به اسلام و جامعه اسلامی خدمت کنند . اگر شما بر سر دنیا دعوا دارید ، بدانید که برای خود جهنم تهیه می کنید و رو به جهنم می روید . امور اخروی دعوات دارد اهل آخرت با هم در صلح و صفا هستند ، قلبهایشان مملو از محبت خدا و بندگان خدا است ، محبت به خدا موجب محبت به کسانی است که به خدا ایمان دارند ، محبت بندگان خدا همان ظل محبت خداوند است ، سایه محبت الله می باشد .

۲

دومین آفت

نفاق

درس دوم



اِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ * قَالُوا نَشْهَدُ اَنَّكَ لِرَسُولِ
 اللّٰهِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اَنَّكَ لِرَسُولِهِ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اَنَّ
 الْمُنَافِقِينَ لَكَ اِذْبُوءُونَ (۱)

یکی دیگر از ویژگیهای مهم سپاه اسلام و حافظان حدود و
 مرزهای خداوندی دوری جستن از نفاق و از بین بردن منافقین
 است و جلوگیری از توطئه ها و مکرهای آنان ، جهت حفاظت
 بیشتر از اسلام محمدی (ص) میباشد .

ترجمه آیه :

هنگامیکه منافقان پیش تو آیند . گویند ما گواهی میدهیم
 که تو البته پیا مبر و فرستاده خدا هستی ، و خدا میداند که تو
 بیشک و بر راستی فرستاده و پیا مبر و هستی .
 و خدا گواهی میدهد که منافقان دروغگویند .
 ابی ابن کعب از پیغمبر (ص) روایت کرده است که هر کس سوره

منافقین را بخواند از نفاق بری شود و از شر منافقان ایمن گردد. (۱)

قبل از هر چیز بهتر است که بدانیم نفاق چیست؟ منافق کیست؟ آثارشوم نفاق کدام است؟ و نشانه‌ها و علائم آن از چه قرار است؟

(نفق در عربی) مثلاً "موش از یک سوراخی درآمده و بســـه سوراخ دیگر وارد می‌شود و می‌خواهد ردّ پایش را گم کند تا اینکه کسی نفهمد به کدام سوراخ داخل شده است می‌گویند نفق.

بعبارت دیگر با دو چهره و با دو قیافه و از دو طریق و از دو مسیر و از دو صراط متفاوت وارد میدان می‌شود و بیش از دو هزار چهره دیگر را عوض می‌کند و آنان را می‌فریبد و گولشان می‌زند و به انحراف می‌کشد و سرانجام به قعر چاه روانه می‌سازد.

کسی را که ظاهر و باطن او یکسان نیست و به اصطلاح دو جور، دورو، باشد منافق می‌گویند. یکی از صفات آشکار منافق، بلکه مایه نفاق همان دروغ است. یعنی مطلبی را بر زبان جاری می‌کند که در دل به آن معتقد نیست.

آیه تلاوت شده در اول درس حاضر، بیان‌گر آن است که شخص منافق به رسالت حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (ص)

گواهی میدهد، ولی در قلب برخلاف آن اعتقاد دارد.

خطرناکترین دشمن برای اسلام:

پیامبر اسلام در یکی از سخنان گرانبها و گهربار خود،
حزب منافق را خطرناکترین و مضرترین دشمن معرفی کرده،
رطوفی آنها را دشمن منحصر به فرد اسلام دانسته است و چنین
میفرماید:

ولكن اخاف عليكم كل منافق الجنان، عالم

اللسان يقول ما تعرفون ويفعل ما تنكرون (۱)

یعنی: من هرگز از هیچیک از ملل جهان برای اسلام
خوف و ترسی ندارم، فقط از یک گروه شدیداً "خائف میباشم
و آن کافر مسلمان نما، و گروه منافق و دورواست، که شیرین
زبان و خوش گفتارند ولی در باطن از دشمنان اسلام میباشند.
در گفتار با شما هماهنگی دارند و عملاً یک قدم با شما
برنمیدارند و همچنین امیرالمؤمنین، مولی الموحدین
حضرت امام علی بن ابیطالب علیه السلام پیشوا و امام ورهبر
شیعیان جهان اسلام در یکی از خطبه هایش درباره منافقین
چنین میفرماید:

وَأَحْذَرُكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنَّهُمْ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ،
وَالضَّالُّونَ الْمُزِلُّونَ، يَتَلَوْنُ الْوَنَانَ... وذكرهم
شِفَاءً وَفِعْلُهُمُ الرَّاءُ الْعِيَاءُ (۱).

یعنی من شما را از جمعیت منافق هشدار می‌دهم:

آنها گمراه و گمراه‌کنندگانند و به رنگهای گوناگون درآمده و با چهره‌های مختلفه در اجتماعات ظاهراً همیشه‌شوند، گفتار آنها بسیار زیبا و سودمند و درمان‌دهنده است ولی کردار آنان درد بی‌درمان می‌باشد. پس جا معهء مسلمین بویژه سپاه عظیم امت بی‌خوابه اسلامی ایران جهت رسیدن به پیروزی نهائی بحول و قوه الهی زاین هشدار که پیشوای بزرگ ما مولای متقیان حضرت امام علی علیه السلام در آغاز اسلام داده است باید بیدار شوند و پند و نصیحت اخذ نمایند و با دقت و کنجکاوی خاصی، افراد منافق را بشناسند و نفاق را که یکی از بزرگترین آفت نهضت و جا معهء اسلامی و بزرگترین عامل جلوگیری سریع انقلاب جهان شمول و تکاملی اسلام و بزرگترین آفت برای پیروزی سپاه معظم و پیرارج و بارزش اسلام و برای قیام و نهضتی که یک امت بی‌خوابه و انقلاب‌کرده اسلامی ایران که بعنوان نگهبانان و پاسداران و حافظان حدود الهی و مرزهای خدا به شما رمیز و تدبیر نموده است. با یستی‌شناسائی

کرده و خنثی نمایند و منافقین را از جا معهء خود طرد کنند و فریب
تظاهرات و سوگندهای شدید آنها را نخورند، و مطمئن باشند که
آنان با برگزاری برخی از مراسم بیروح، سرپوش روی اعمال
زشت و ناشایست خود میگذارند.

جنایاتی که این منافقان از خدا بیخبر، بوجود آورده
و بپا کردند، امت شهید پرور و مسلمان و حزب الله ایران بر آن
واقف هستند که بعضی از آنها عبارتند از:

به شهادت رساندن فیلسوف و دانشمند بزرگ اسلام حضرت
آیت الله شهید مرتضی مطهری رضوان الله تعالی علیه در
دوازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ ه.ش.

و به شهادت رساندن فرزندان اسلام همچون: برادر شهید
محمد علی رجائی رئیس جمهور مکتبی و نخست وزیرش دانشمند
گرامی حجت الاسلام محمد جواد باهنر در نهم شهریور ماه ۱۳۶۰ ه.ش
و به شهادت رساندن حضرت آیت الله علی قدوسی رئیس
کل دادگاه انقلاب اسلامی ایران، در پانزدهم شهریور ماه
۱۳۶۰ ه.ش، که ۶ روز پس از انفجار نخست وزیری، دادستانی
را نیز منفجر کردند و به شهادت رساندن حضرت آیت الله شهید
محراب سید اسد الله مدنی امام جمعه و نماینده امام در تبریز
در بیستم شهریور ماه ۱۳۶۰ ه.ش که درست ۵ روز دیگر انفجار
دادستانی صورت میگیرد.

وبه شهادت رساندن عالم ربانی و محقق عالیقدر و دانشمند گرامی که بیانش چون شمشیر مالک اشتر بران بود یعنی حضرت حجت الاسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد در مشهد مقدس که ۱۹ روز پس از شهادت شهید محراب آیت الله مدنی شربت شهادت مینوشد.

به شهادت رساندن آیت الله قاضی طباطبائی نماینده امام در تبریز در یازدهم آبان ماه ۱۳۵۸ ه. ش.

وبه شهادت رساندن حجت الاسلام دکتر محمد مفتاح رئیس دانشگاه تهران همراه دو پاسدارش در بیست و هفتم آذر ماه ۵۸ ه. ش. وبه شهادت رساندن حضرت آیت الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی امام جمعه و نماینده امام در شیراز در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۲۰ ه. ش. درست سه ماه تمام پس از شهادت شهید محراب آیت الله مدنی، شهیدی دیگر در راه محراب را بخاک و خون میکشند.

و خیلی دیگر از بزرگان و حامیان و حزب اللهی های جمهوری اسلامی این کشور شهید پرور را میسوزانند و زنده زنده بدنشان را تکه تکه میکنند و بالاخره به فجیعترین نوع جنایت دست میزنند.

تا اینکه در هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۰ ه. ش، دست به این جنایت هولناک و فاجعه ای وحشتناک میزنند که پس از تاریخ

عاشورای حسینی در تاریخ اسلام چنین واقعه‌ای کم‌نظیر است. آری، در این واقعه اسفانگیز، ۷۲ آذرخش و بهتری — فرزندان اسلام جان خود را از دست داده و زنده زنده سوختند و به سعادت ابدی دست یافتند. روانشان شاد و راهشان تداوم بخش انقلاب باد.

آیا میدانید که این واقعه اسفانگیز و شهادت هفتاد و دوتن از یاران حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام کی صورت میگیرد؟

این هفتاد و دوتن شهید زمانی شربت شهادت مینوشند که پدر منافقین و لیبرال‌ها یعنی ابوالحسن بنی‌صدر و لیکن رئیس جمهور ایران فرار را بر قرار ترجیح میدهد زیرا آنقدر جنایت کرد و خیانت، که امام از ریاست جمهوری عزلش کردند و او پس از مدتی که در خانه‌های تیمی منافقین مخفی شده بود با رهبر منافقین یعنی رجوی کجروی توسط سرهنگ معزی (۱) با هواپیمای ارتشی از ایران به لباس زنانه، با سیل تراشیده خارج گردید و به فرانسه (مکان توطئه چینی بر علیه

۱- پاکسازی شده‌های ارتش توسط ابوالحسن بنی‌صدر به ارتش بازگشتند، نمونه‌اش سرهنگ معزی است، معزی کسی بود که شاه‌خائن را در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۶ ه.ش از ایران فراری داد و بعدها با فریبکاری بعنوان تسلیم به جمهوری اسلامی وارد ایران شد و توسط بنی‌صدر دوباره وارد ارتش گردید تا روزی که شاه دوم بنی‌صدر خبیث و مکار و منافق را از ایران خارج نمود.

دراين تصويريني مدررا با
سبيل تراشیده ميپيښيد



ابوالحسن بنی صدر



مسعود رجوی



سرهنگ معزی

اسلام) پناهنده شدند.

اینجا بود که امت حزب الله و مسلمانان و انقلاب کمرده و شناخت پیدا کرده اسلامی ایران نادار دادند:

بنی‌صدر در بدر شد منافق بی پدر شد

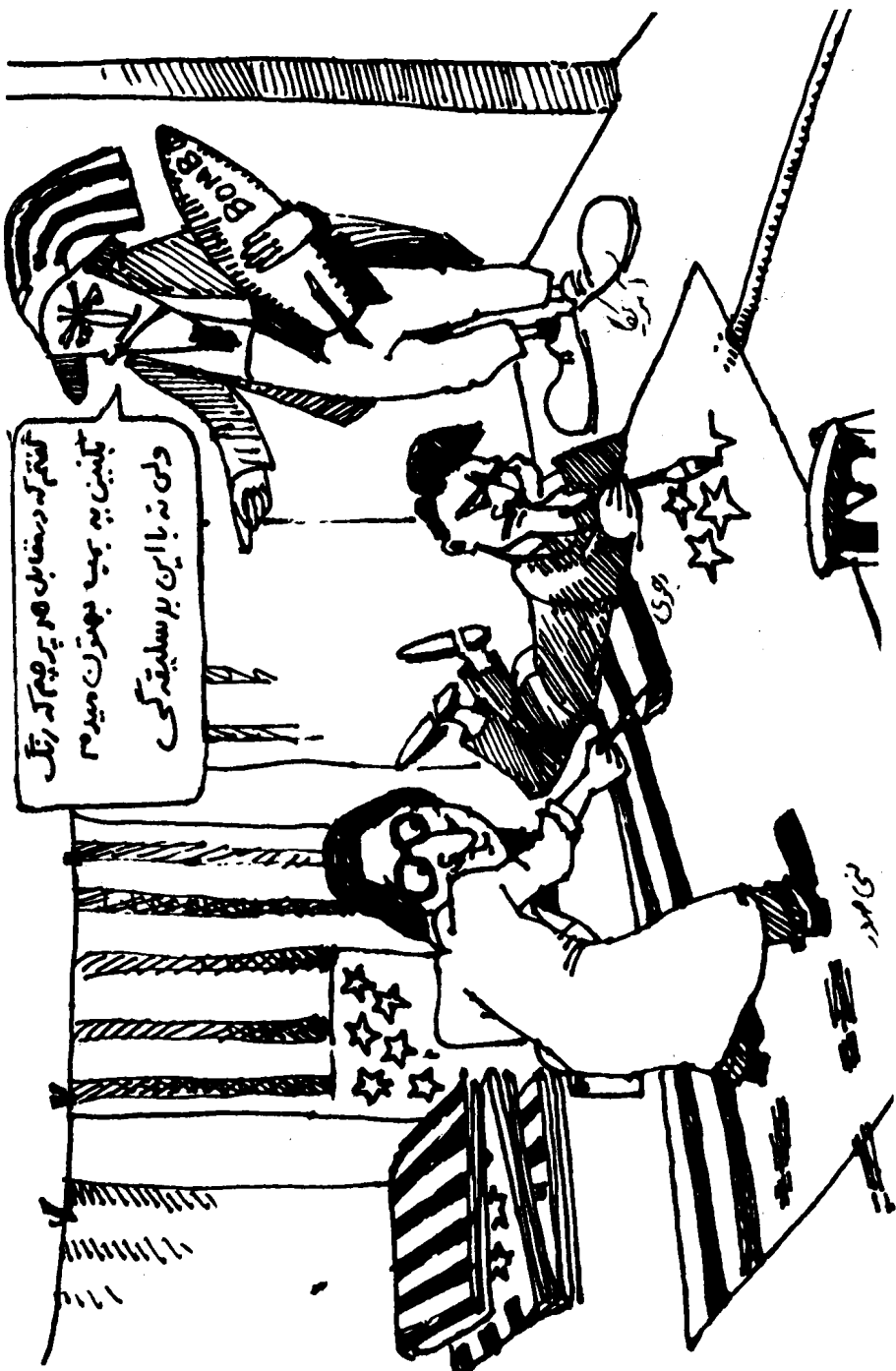
و آیا هیچ میدانید که بیش از چندین سال قبل سازمان سیای آمریکا و کاخ سفیدش فردی را چون بنی‌صدر پرورانده و بصورت اقتصاددان اسلامی معرفی کرد و او را ساخت و پرورش داد و بالاخره نامزد ریاست جمهوری شد و پست ریاست جمهوری را به اشغال خود درآورد تا اینکه در چنین زمانی اهداف غرب را در ایران اسلامی پس از انقلاب، به اجرا درآورد (۱).

همچنانکه در طی یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار خارجی اظهار داشته بود که (من نویسنده باگوش خودم شنیدم): آنها خیال خامی میکنند و میگویند که من (بنی‌صدر) نادانم در صورتی که من متفکر غرب هستم.

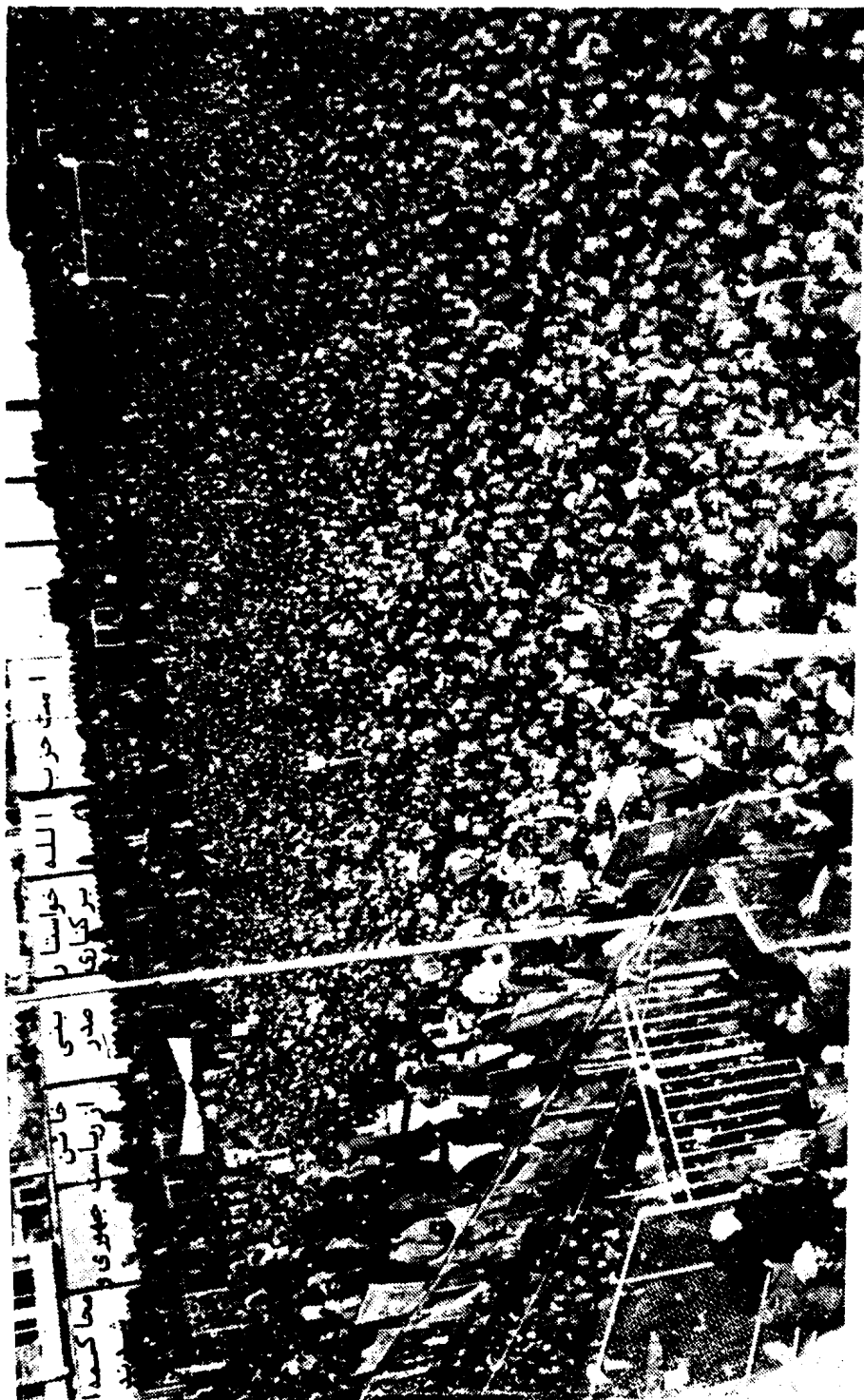
این است بیان خود بنی‌صدر مکارو متفکر غرب که واقعا "بیان خوبی است. و این است کار و عمل منافقین و لیبرالها و فدا سلامی‌ها که به دستور امپریالیسم شرق و غرب و در راستای آنها آمریکا جنایتکارو مستکبر جهانی انجام میدهند.

نکته جالب توجه اینجاست که: بنی‌صدر غربی و رجوی شرقی

۱- تشریح و تحلیل واقعه ۷ تیر را بطور خلاصه از ص ۵۵ به بعد مطالعه کنید.



گفتیم که در مقابل هر پرچم که رنگ
پاکتین به نجیب بهتر میداد
ولی نه با این به سلیمه کی



که هر دو مخالف عقیده هم و متضاد یکدیگرند، دست اتحاد نفاق -
گونه را بهم میدهند و به کشور فرانسه فرار میکنند.

از تیت ترسخن میشود سخنان متعدد و مختلفی را ادراک کرد
زیرا خوانندگان این مکتوب عاقلند و عاقلانه قضاوت خواهند
کرد: *الْعَاقِلُ يَكْفِيهِ الْإِشَارَةُ* و برای عُقلا اشاره کفایت میکند
با تذکر فرمایشات گهربار پیا مبر عظیم الشان حضرت ختمی
مرتبیت محمد بن عبدالله (ص) و شاگرد ممتازش حضرت مولی -
الموحدین امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام
مسائل پیچیدهء مجهول بر ما مسلمین واضح میگردد:
که فرمودند:

این منافقین ظاهرا "شیرین زبان و خوش گفتارند و لکن
در باطن سرسخت ترین دشمنان اسلام میباشند. اینها
میگویند ولی عمل نمیکند همه اش حرف است و اینها برنگهای
گوناگون در میآیند.

و میشود گفت که اینها (منافقین) مانند خانواده های میمانند
که دو تا دختر دارند یکی زیبا و دیگری زشت. کسی بعنوان خواستگاری
به منزل اینها میآید و سرپرست خانواده هنگامیکه طرف برای خواستگاری
آمده است دختر زیبارانشان میدهد لکن موقعی که داماد آمده و
میخواهد عروس را ببرد، سرپرست خانواده و یا اهل خانواده دختر زشت
را بجای دختر زیبا میگذارد و به داماد میفروشد.

کنایه از این است که : میگویند ولی عمل نمیکنند .
 هم‌ا‌ش حرف است . چنانکه بنی‌صدر و دیگر منافقین و لیبرال‌ها
 را در روزگار و عصر خود مشا‌ه‌ده کردیم که با چهره‌های مختلف در
 اجتماعات ظاهر میش‌د ، گفتارشان اکثر مواقع زی‌با و سودمند و
 درمان‌درد‌ها بود ولی کردار و اعمالش درد‌ب‌ی‌درمان می‌باش‌د
 ب‌عبارت دیگر عالم بی‌عمل بود و مانند تیربدون کمان و درخت
 بدون ش‌م‌روزنبوربدون عسل می‌مان‌د .

ب‌عنوان نمونه سخنان بنی‌صدر را که در مورد منافقین
 ایراد کرده و در کیش شخصیت نوشته است :

معروض میداریم و خواننده عزیز قضاوت خواهد کرد که آیا
 خودش جزو همین گروه نبوده و یا اینکه این حرف‌ها را ب‌برای
 دیگران زده و برای خودش نه ؟ ب‌لی خواننده محترم گفتارشان
 زی‌باست و سودمند و درمان‌درد‌هاست ولی کردار و اعمالش درد
 ب‌یدرمان است و این‌ها از صدر زندگی بنی‌حرف هستند نه فرزند
 عمل .

۱- منافقین آنانند که در درون جمع به گروه‌بندی و دسته
 سازی و فراقسیون بازی می‌پردازند . اینان برای تحمیل
 قدرت و یا سرنگون کردن قدرت رقیب ، با عوامل خارجی تماس
 می‌گیرند . اینان به ظاهر هم‌فکر و هم‌گروه و هم‌زمینند ، به‌ظا‌هر
 از دیگران فعال‌تر و دلسوز‌ترند . اما در واقع شب‌ و روز در کار

دسیسه سازیندتا قدرت را قبضه کنند و اگر نشد جمع را متلاشی سازند. برامت حزب الله پرواضح است که خودبنی صدرچنین بوده است و خودش اعمالش را توضیح داده است.

۲- کسانیکه با استفاده از ضعف نفس مردمان و تن آسائی و ترس از خطر که خاصه خودپرستان است، دائم تبلیغ سأسرستی میکنند. و برای آنکه کاری صورت نگیرد عذرها و بهانه ها می تراشند و هر حرکتی را با انواع حيله ها و تحریکات مانع میشوند.

و این نیز یکی دیگر از عملش که خودبیا ن کرده و در مورد خود صدق میکند.

۳- کسانیکه چون فکر و عقیده ای را در رشد و پیشرفت می بینند، خود را در زمره گروندگان به آن فکر قلمداد میکنند ولی اگر در آن رشد و این حرکت جائی برای خویش متصور نبینند، سعی در تخطئه فکر و حرکتی میکنند که خود به دو گرویده بودند.

۴- کسانیکه مثل جیوه بیقرارند و هر زمان خط عوض میکنند و به عقیده ای در می آیند. اینان به هیچ قول و قراری وفا دارن میمانند و در همه جا موجب تفاق و دو بهم زنی هستند.

۵- کسانیکه با همه، خدعه گری میکنند با همه هستند و با هیچکس نیستند، خود را به همه غمخوار نشان میدهند، اینان به همه دروغ میگویند و نیرنگ میبازند، به تصور اینکه به خود

راست میگویند ما حقیقت آن است که به خود نیز دروغ میگویند.

۶- کسانیکه کوشش میکنند با استفاذه از خودپرستی اشخاص
آنان را به خود وابسته و از جمع جدا سازند.

۷- کسانیکه رفتاری دوپهلودارند اگر شکست و سختی رسد
مبلغ سازشکاری میشوند و ستون پنجم دشمن در داخل میشوند
و هر روز فتنه‌ای بپا میکنند و دائم سرکوفت به "تندروها"
میزنند و اگر امیدپیروزی یا خودپیروزی رو کنند، خود را همه
کاره جلوه میدهند و طلبکاره‌ها گرداشته بودند، چنین و چنان
میکردیم "کیش شخصیت".

این است سخن منافق که درباره منافقین ایراد کرده
که حقیقتاً "کردار و رفتار و اعمال نفاق گونه‌اش را که در خود
صدق میکند بصورت حرف درآورده و بر زبان جاری میکند آری
او همیشه حرف میزند و بانی حرف است و با عمل سروکاری ندارد.
مبارزه با نفس :

زیرا کسیکه نتوانسته با نفس خویش مبارزه کند، نمیتواند
در راه هدف و عقیده از منافع شخصی چشم‌پوشد یعنی:

جاه و مقام را نادیده بگیرد، از خودخواهی، خودنمایی و
خودبینی بپرهیزد. از بند و بست زیر پرده با دشمن، خودداری
ورزد، به هم‌زمان خودخیانت نکند. صداقت، صفا، عهد و
پیمان با همکاران را محترم شمارد. اسلحه‌ای را که باید به

روی دشمن گشاید به قلب دوست و همکارانشانه نگیرد. اگر در مبارزه شکست خورد خود را نیاز زد و از هدف بازماند، اگر پیروز شد، ذوق زده نگردد و پا از گلیم خویش فراتر ننهد، به محبوبیت همکاران و نورزد و به کارشکنی و نفاق افکنی دست نیاز زد. از پشت خنجر نزنند، در مبارزه سستی نورزد، عقب نشینی نکنند، تسلیم نشود، با دشمن ن سازد و ... (۱)

خلاصه بحثمان روی این نکته است که امت اسلام از صدر اسلام تا کنون شهیدان بی شمار و متعددی در تاریخ قربانی و فدای دین مبین اسلام کرده اند و جمله قربانیان و شهیدان در راه حق به دست منافقین و کفار داخلی و خارجی و استعمارگران صورت گرفته است.

و اینک امت حزب الله و شهید پرور مسلمان در راه به ثمر رساندن اهداف عالی اسلامی و الهی شهیدان زیادی میدهند که از آن جمله است: شهدا هفتم تیرماه ۱۳۶۰ ه.ش

در راس این شهیدان، شهید شاهد تاریخ اسلام یعنی شهید مظلوم، آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی رضوان الله تعالی علیه قرار دارد.

بهشتی چرا مظلوم نامیده شد:

چون در حیات وی به او آنقدر ظلم کردند و عناوین زشت و دروغ را به او و اهلش دادند و خود خدعه گری کردند که با او هستند



در صورتیکه نه تنها با او، با هیچکس نبودند زیرا که دروغ گفتند و مبلغ سازشکاری و ستون پنجم دشمن در داخل شدند و هر روز فتنه‌ای بپا کردند و دیدند که نمیشود قدرت را قبضه کنند و سرانجام جمع را متلاشی ساختند و خلاصه مطلب، خیلی ظلم کردند و در زمان حیاتش افتراها و تعدی‌ها چه زبانا "وجه قلم" بها و کردند و امام امت نیز هنگام شهادت آن قهرمان تاریخ، آن نستوه را مظلوم خواند و چنین فرمود:

بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد و خارجش دشمنان اسلام

بود.

اکنون ملت ما دریا فته است که:

كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا (۱)

هر زمینی و خاکی کربلاست و هر روزی عاشورا و هر ماهی محرم است، خصوصاً "کشور جمهوری اسلامی ایران مختص به حضرت ابا عبد الله الحسین سالار شهیدان و اهل بیت اطهار علیهم السلام است و مملکت پیا مبر عظیم الشان اسلام است. آری، ایران است که اسلام محمدی (ص) را بدینا به وضوح و به عمل نشان میدهد.

و کفار و منافقین داخلی و خارجی برای اینکه مشاهده

۱- پیام سیاسی امام خمینی مد ظله العالی از رزمندگان پیروز مندا سلام وایشان رگزار نیش جبهه در تاریخ ۶۱/۱/۱۰ ه.ش

میکنند که تنها کشوری که در دنیا هستی میتواند مرا حضرت حسین علیه السلام و به طور کلی اسلام محمد بن عبد الله (ص) را پیاپی ده نماید جمهوری اسلامی ایران است.

روی این مبنا حکام وابسته منطقه توطئه‌ای تازه بر علیه اسلام چیدند.

آنها میکوشیدند با طرح مسائل انحرافی نظیر فارس و عرب

.....و

انقلاب اسلامی را یک انقلاب ایرانی نمایش داده و آنرا در محاصره قرار دهند.

اینان میخواهند با به راه انداختن جنگهای سرد و گرم و جوّسازیهایی مخرب علیه گسترش انقلاب اسلامی مانع از ایجاد طوفانهای بنیان کن در گورستان خفقان آور کشورهاشان گردند.

ساخت و پاخت رژیمهای دست نشانده آمریکا و اسرائیل و رسمیت بخشیدن به اشغالگران قدس بی شک فتنه‌ای بود تا رژیمهای مرتجع ماهیت وابسته و زشت خود را به نمایش گذارند.

رزمندگان ما با ایثارگریها و از جان گذشتگیها و طرحهای محیر العقول نظامی خود در جنگ با تجا و زکات را نبعث عراق (به سرکردگی فرزندان خلف معاویه و یزید لعنت الله علیهم یعنی



مدام لعین، که روی فرعون و فرعونیان و یزید و یزیدیان را سفید کرد).

نشان دادند که طریق القدس کجاست و به عالمیان فهماندند که تا زمانی که حکومت‌های وابسته و کافر منطقه نظیر عراق و اردن و سعودی و... وجود دارند.

اماکن تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی وجود نخواهد داشت.

و فتح الفتوح است که کلید فتح و فیروزی قسـد را در کربلا می‌یابد.

و بحمد لله بحول و قوه الهی این جنگجویان مؤمن و پاسداران اسلام و روحانیت متعهد و مسئول عالم بزمائمه که به حق سپاهیان و سربازان حضرت ولی الله الاعظم امام زمان علیه السلام هستند، در نبرد با دشمنان اسلام پایداری و مقاومت کردند و پیوند ناگسستنی خویش را با معبود و خدای خویش را سخت‌تر نمودند و به مسیر خویش که مسیر حسین بن علی (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است ادامه دادند زیرا که خداوند متعال چنین فرموده است :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ
وَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا

تَشْعُرُونَ (۱).

یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید از مقاومت و پایداری (در راه سختی ها و ناملایمتهای در جنگ با دشمن خدا وامت) و پیوند با خدا (نماز) کمک بگیرید و بدانید که خداوند تبارک و تعالی با مقاومت کنندگان و صابران (۲) است و به کسانیکه در راه خدا کشته میشوند مرده نگوئید بلکه زنده اند و لکن درک نمی کنید.

آری، سپاه عظیم و جنود معظم الهی و حزب الهی های ایران در برابر ارتش کفر و طاغوتی و احزاب غیر الهی همچون حزب کافر بعثی عراق به سرکردگی صدام یزید تکریتی تسلیم نشده و بلکه با آنان جنگیدند و آنها را به زباله دان تاریخ افکندند و قبا بیل در سه چهره را که با هفت رنگ و هفتاد نقاب و هفت هزار نام و هفتاد هزار دام ظاهر میشود لعن نموده و پشت برادرش صدام را شکستند.

هَيْهَاتَ مِنَ الذَّلِيلَةِ (شهید مظلوم حسین علیه السلام)

و در برابر صدام و صدامیان و قبا بیل و قبا بیلیان سرتسلیم فرود نیاوردند زیرا که ذلت و خواری از حسین (ع) و حسینیان

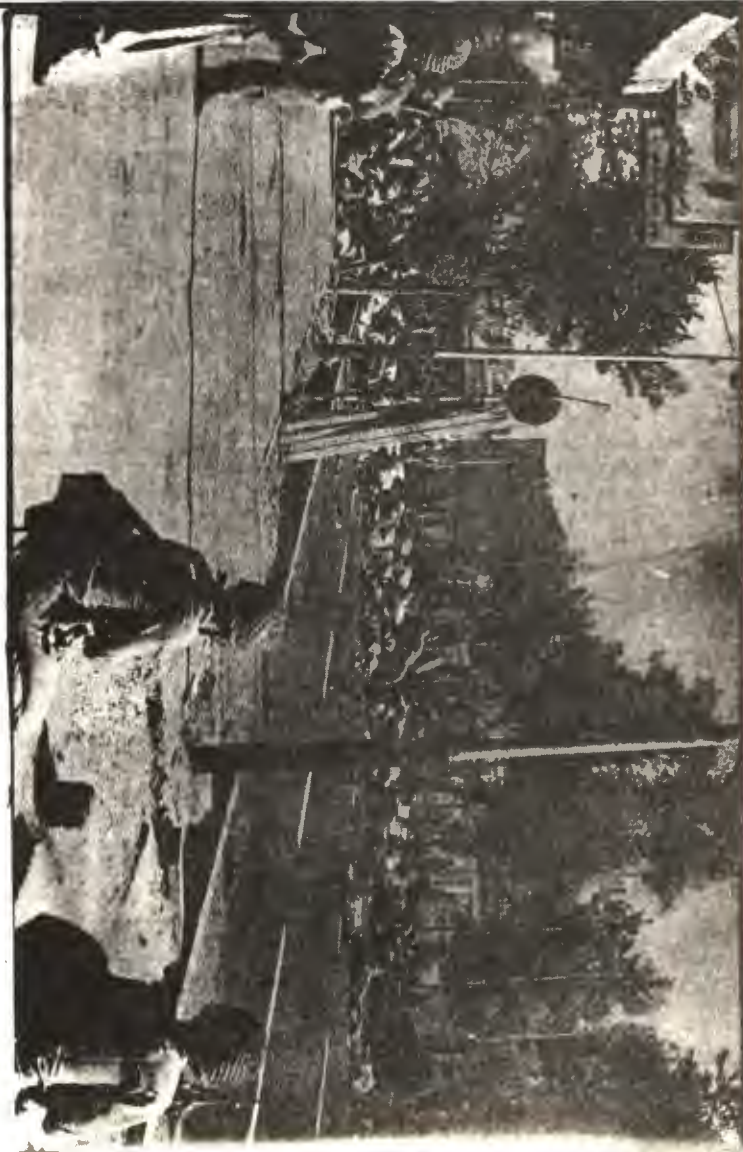
۱- سوره بقره، آیه ۱۵۳.

۲- در مورد صبر و شایسته های آن از دیدگاه مولی الموحدین امیر المؤمنین علی (ع) به سری مباحث عقیدتی، مکتبی ۵ مراجعه کنید



سال ۵۷- حرکت برای نابودی رژیم آمریکایی شاه و استقرار جمهوری اسلامی ایران

۷۱ شهر یور: تجلی پیروزی خون بر شمشیر



دوراست . و خواری و ذلت از آن قابیل است .

قابیلی که قاتل است و برادرش ، مقتول او ، قابیلی که ظالم است و مردم مظلوم او ، قابیلی که مالک است و مردم مملوک او ، قابیلی که حاکم است و مردم ، محکوم او ، قابیلی که ساحراست و مردم ، مسحور او .

آری، یک قابیل است و یک "استضعاف" در سه بعد از سه پایگاه به دست سه فرزندش :

- | | |
|-------|--|
| (۱) ش | ۱- یا به زنجیرش میکشد به زور : استبداد |
| | ۲- یا خوش را میمکد ، به زر : استثمار |
| | ۳- یا فریب و گولش میزند به تزویر : استحمار |

پس تا رشته کلام را از دست نداده به سر مطلب مورد بحث

برگردیم که تشریح تلخیصی از واقعه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ بود .

لکن جهت بیشتر و بهتر شناختن اوصاف طاغوت و منافقین زمان خویش سری به گذشته بزنیم و از ۱۷ شهریور تا ۷ تیر سخن به میان آورده و لب به بیان آلام نمائیم .

آری، ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و ۷ تیر ۱۳۶۰ دوروز استثنائی در تاریخ انقلاب اسلامی است .

۱۷ شهریور روزی بود که دشمن آخرین حدقاوت خود را به کار می گرفت تا مگر بتواند آخرین حد مقاومت مسلمانان را درهم بشکند و توده های انقلابی و مبارز و شهدا طلب ایمن



سرزمین را از صحنه‌ها دوپیکا ر علیه الحاد وستم و نفاق بیرون
براندیدین منظور مسلسل به دستهای رژیم آمریکائی شاه
معدوم در حالیکه مردم مسلمان جزا لله اکبر هیچ اسلحه
دیگری در اختیار نداشتند به‌خیا با آنها ریختند و مردم را قتل و
عام کردند.

چه‌گل‌های نوشکفته و حتی نشکفته‌ای که زیر رگبار بی‌مان
گلوله‌های اسرائیلی پرپر شدند و بخاک و خون غلطیدند.
در میدان شهدا، نیروهای مسلح شاهنشاهی دور تا دور
مردم حلقه بستند و زن و مرد و جوان و پیر بی‌دفاع را تنها بدین
دلیل که می‌خواستند از آزار زندگی کنند، و تنها بنده خدا باشند
نه بنده زور و زور و ترور به گلوله بستند.

مذها دختر و پسر جوان الله اکبر گویان بخون گرم خود
غلطیدند.

یک پسر جوان در حالیکه تیر خورده بود اما به‌بست تا نماز
ظهرش را بجای آورد و وقتی که می‌خواست به رکوع برود با سرب
جوی خیا بان فرو افتاد و بتدریج جان داد.

یک دختر ۱۹ یا ۱۸ ساله در حالیکه تیر به کتفش خورده بود
به‌کنار خیا بان افتاد و با کمک چند نفر به‌را هروی خانه‌ای در
کنار خیا بان منتقل شد و در لحظاتی که همه در فکر بودند چگونه
میتوانند او را به‌دور از چشم تروریستهای شاهنشاهی بـ

پید روزهای انقلاب، روزهای بهر و وزی



بیما رستان برسانند آنقدر خون از کتف او بیرون زد تا جان سپرد و ... و ...

رژیم شاهنشاهی و آمریکای جنایتکار تصور میکردند با قتل عام روز ۱۷ شهریور همه چیز تمام شد. مردم ترسیدند و گریختند و به خانه‌ها خزیدند و صحنه را برای غارت غارتگران بین المللی و حاکمیت بت تراشان و ستمگران داخلی خالی نهاده‌اند. در حالیکه هرگز چنین اتفاقی رخ نداد. دقیقاً " روز بعد از ۱۷ شهریور با زفریاد مرگ پیر شاه، درود بر خمینی و الله اکبر از درودیوار شهرها بلند شد. باز هم شهادت شهادت ... شهادت ...

هر روز چندین جنازه تازه از چند دختر و پسر و پیرو جوان و زن و مرد ...

آنقدر مزدوران آمریکا کشتند از این مردم تا خود در خون شهیدان انقلاب اسلامی غرق شدند و خون بر شمشیر تیز و بستران امپریالیزم پیروز شد.

مردم به پادگانها هجوم آوردند. در اسلحه‌خانه‌ها را شکستند و با همان اسلحه‌ای که از اسلحه‌خانه‌ها بدست آورده بودند وزارتخانه‌ها را فتح کردند و فرزندان دق خویش را برای اداره کشور و پیران شده‌ای که بلا غوث بجای نهاده بود بدرون وزارتخانه‌ها فرستادند و بدین ترتیب فصل نوینی در تاریخ

ایران و جهان بوجود آمد.

از سوی دیگر امپریالیزم نیز بیکار ننشست.

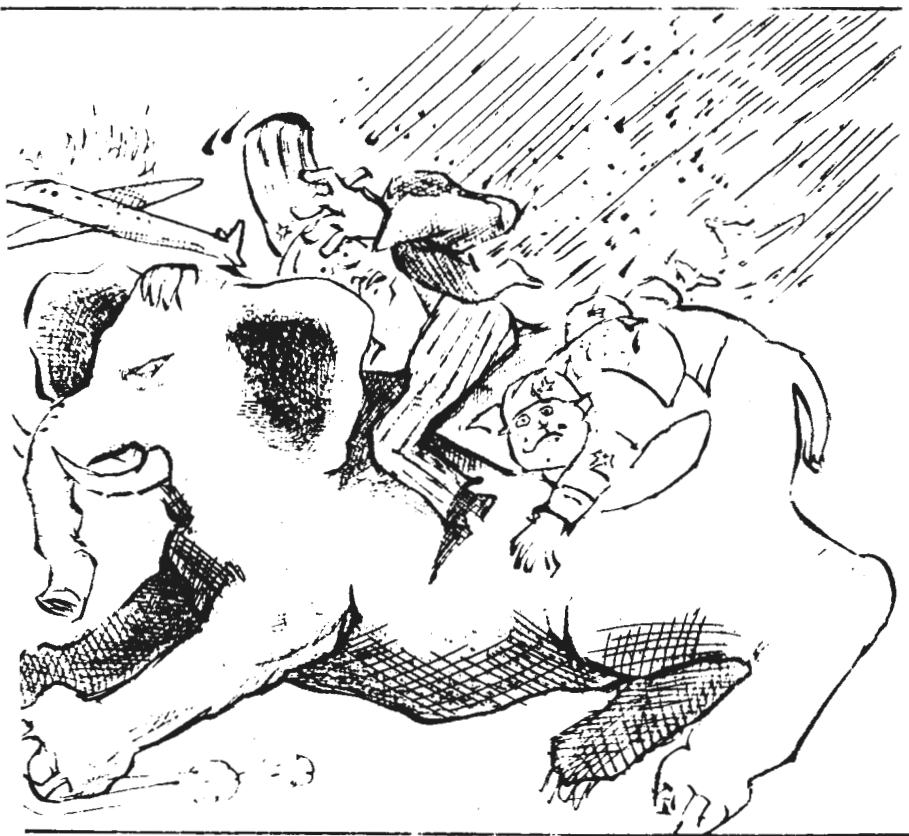
کشتار در نقاط گوناگون کشور بوسیله گروهکهای وابسته آغاز شد.

سیل دلار آمریکائی به جیب مجاهدین خلق و چریکهای فدائی و حزب دموکرات سرازیر گردید بعد ماجرای حمله طبس و ماجرای انتخاب بنی صدر به کمک ۲۹ میلیون تومان بودجه تبلیغاتی که گفته میشود در اختیار داشت و آخرین ترفند (۱) های سیاسی، محاصره اقتصادی ایران و بلوکه شدن حسابهای ایران در خارج و بعد آغاز مرحله جدید جنگ روانی علیه انقلاب توسط بنی صدر و بالاخره، شهادت دسته جمعی ۷۲ تن از مدیران انقلاب.

این آخرین حادثه، آخرین حربه امپریالیزم در این زمینه است.

توجه داشته باشیم آمریکا در ۱۷ شهریور، در حمله نظامی طبس، در کودتای نوژه، و در حمله نظامی عراق به ایران با زور آمدوشکست خورد و در جریان محاصره اقتصادی و نا بود کردن مواد اولیه و مواد غذایی بوسیله ضد انقلاب، در کمک مالی به

۱- مکر، حيله، تزوير، دروغ، سخن بيهوده، ترفنده و ترکنده نیز گفته شده.



حمله نظامی آمریکا به طبرستان

که با شکست مواجه گردید

تشیع جنازه ۷۲ آذریش



گروهکهای ضدانقلاب از قبیل منافقین و در بلوکه کردن ذخائر ارزی ایران از قدرت "زر" استمداد جست و شکست خورد و در جریان بنی‌مدر از خدنهائی قدرت "تزویر" خود مدد جست و با زهم شکست خورد و در نقشه‌های مشترک با کمک منافقین و چریکهای فدائی "زروزور و تزویر" را یکجا بکاربرد و شکست خورد این است زروی بیچارگی تصمیم میگیرد مدیران انقلاب اسلامی را یکجا ترور کند تا شاید خود را از انقلاب اسلامی خلاص ساخته و دوباره منافع از دست داده خود را فراچنگ آورد. همانطوریکه رژیم شاه مخلوع با استمداد از قدرت زور (حکومت نظامی) و "زر" (تبلیغ فرهنگ مصرف) و "تزویر" (حکومت بختیار) نتوانست دوام بیاورد و در ۱۷ شهریور آخرین تلاش خود را کرد و رفت.

آمریکا نیز در مقابل نظام منبعث از حماسه ۱۷ شهریور با استمداد از قدرت زور (جنگهای خارجی و برخوردهای داخلی) و زر (محاصره، اقتصاد و بستن کارخانجات داخلی و نابود کردن مواد غذایی و...) و تزویر (تبلیغ و تقویت ابوالحسن بنی‌مدر) نتوانست کاری از پیش ببرد.

این است که در هفتم تیر ماه به کمک منافقین آخرین تلاش خود را کرد و عکس العمل سریع انقلاب در راه بطلان ترسیم و تکمیل مجلس و دولت چرخش بسوی قاطعیت بیشتر حزب جمهوری اسلامی

علیه امپریالیزم و صهیونیستها بدین مفهوم است که آمریکا نیز رفتنی است. اگرچه ممکن است تک تک شخصیت‌های حزبی باقیمانده را ترور کنند ولی انقلاب را نمیتوانند ترور کنند و انقلاب اسلامی با همت دریای خروشان امت شهیدپرور و ایثارگر و شناخت پیدا کرده اسلامی ایران به روند اسلامی خود ادامه داده و ابهر قدرت‌ها را به زباله‌دان تاریخ بریزد.

فاجعه‌ای که در هفتم تیر ماه قلب امت ما را اندوهگین و عزمش را جزم تر ساخت دود فادانبال میکرد.

الف - سیاسی

ب - نظامی

وقتی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن به پیروزی مرحله نخست رسید، آمریکا سبب جاسوس‌ها و عواملی که در دستگاه‌های اداری و سیاسی ایران داشت گمان میکرد میتواند مسیر انقلاب را با خرج کم منحرف نموده و با مسخ (۱) خط امام رهبری انقلاب را به دست لیبرال‌ها بسپارد.

بنا بر این لجن مال کردن شخصیت‌ها و احزاب و سازمان‌های

۱- دگرگونه کردن صورت و برگرداندن آن بصورت زشتتر.

کسی که تغییر شکل یافته و بصورت زشت درآمده.

پیرو خط امام به مثابه (۱) هم استراتژی (۲) و هم تاکتیک (۳) امپریالیسم آمریکا تلقی میشد. و در دستور کار طراحان اصلی سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت.

این تهاجم گسترده و برنامهریزی شده که بمقدور صهیونیسم بین الملل صورت میگرفت، از همان ابتدای پیروزی به صورت بمباران تبلیغاتی از طریق رسانه های گروهی وابسته به صهیونیسم و امپریالیسم، چه در داخل و چه در خارج نمود عینی یافت.

بطوری که جوانان مدافع ایرانی و مسلمان نیز، اعضا " دچا رتردید شدند.

آنچه که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و تا کنون نیز ضامن تداوم آن بوده عبارتست از:

الف: رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی.

ب- حضوری و فعال مردم شهید پرور در صحنه.

ج- حاکمیت ایدئولوژی اصیل اسلام.

- ۱- اندازه، درجه، منزلت، پایه، جایگاه، جای گرد آمدن، محل اجتماع مردم.
- ۲- علم اداره کردن عملیات و حرکات ارتش در جنگ.
- ۳- رزم آزمائی، تدبیر جنگ، فن حرکت دادن سربازان و بکار انداختن نیروهای نظامی در جنگ.

امام بعنوان محور اصلی این انقلاب و به مثابه شخصی که میتواند در هر لحظه میلیونها انسان فداکار و از جان گذشته را بسیج نموده و توطئه‌ها را در نطفه خفه نماید، همواره از ابتدای نهضت، از قبل از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه.ش که بعنوان مرجع تقلید مسلمانان مطرح و مجتهدی عالم و مبارز مطرح بوده‌اند.

همواره مورد تهاجم وسیعترین حملات تبلیغاتی چه در داخل بعنوان "مرتجع" و چه در خارج به عنوان "سنتی" و "بنیادگرا" که حامی اسلام ۱۴۰۰ سال پیش است واقع گشته است.

دشمن بخوبی میداند که اگر تفکرو اندیشه‌های امام، بعنوان اسلامی راستین و انقلابی، چه در ابعاد سیاسی و اجتماعی و چه در بُعد عرفانی و تعبدی آن در ایران‌دا منگستر شود، محلی برای چپاول سرمایه‌های ملی ایران و فراتر از آن خلقهای منطقه نخواهد ماند.

اما پس از پیروزی انقلاب به سبب نفوذ کلمه‌ای که امام در تمام مردم پیدا کرده بود، تحلیل گران "سیا" و "موساد" به این نتیجه رسیدند که در یک برنامۀ کوتاه مدت نمیتوان امام را از مردم گرفت. تحلیل آنها این است که در ابتدا باید اطرافیان امام را از او گرفت و در فرصت مناسب، وقتی امام تنها بود ضربه نهائی را به انقلاب وارد ساخت! این طرح و استراتژی از روشهای گوناگون به مرحله اجرا درآمد.

۱- گروهکهای که مستقیماً توسط "سیا" و "موساد"

سازماندهی شده اند می‌کوشند عنا صر خود را در دستگاہای جرائی نفوذ داده و اطلاعات لازم برای ضربه زدن را به دست آورند از میان این گروهها عنا صر شناخته شده‌ای چون:

امیرانتظام، مقدم مراغه‌ای، حسن نزیه، میناچی، دکتر مدنی، روغنی، بعضی از سردبیران مجلات و روزنامه‌های رژیم شاه و... را میتوان نام برد که در حساسترین پستهای کشور قرار گرفته و مهمترین اطلاعات را از موقعیتهای سیاسی اجتماعی، نظامی کشور، از شخص امام و از نزدیکان و اطرافیان امام، طرز رفتار، علائق و خصوصیات آنها، شماره‌های تلفن منزل و محل کار، و سایر اطلاعات که ممکن است مورد استفاده قرار گیرد در اختیار امپریالیسم و صهیونیسم میگذاشتند.

اسنادی که از لانه جاسوسی بدست آمده است، گوشه‌هایی از ترفندهای امپریالیسم را نشان میدهد.

در اسناد مربوط به میناچی، وزیر ارشاد دولت موقت بازرگان آمده بود که نامبرده حتی تعداد اتاقهای خانه امام موقعیت آنها و... را در اختیار جاسوسان آمریکائی قرار داده بود. (۱)

۱- این مطالب را روزنامه جمهوری اسلامی نیز یادآور شده بود.

ماہد ابراہیم، امیر کبیر و انجمن تاجران رتائن اساتذہ عالی متعالی اسلام اور امر حرم دلاؤ۔
مومنان پیدادام سیکرٹری دفتر چار صفا بحر شہداد.

ما مورین "سیا" با استفاده از نقطه ضعفهای افراد موء شر در بدام انداختن آنها استفاده میکنند.

نقطه ضعفهایی چون: جاه طلبی، خوشگذرانی، خودمحوری، کم طاقتی، پول دوستی و غریبزدگی و خودباختگی و... میتواند زمینه های جلب به همکاری را فراهم کند، کما اینکه مطابق اسنادی که درباره بنی صدر منافع منتشر شده است، ما مورین سیا برای جلب همکاری او از علاقه ظاهری او به علم اقتصاد و صفت خودمحوری او سود جستند (۱). در اینجا غرض این نیست که شیوه استخدام و جلب همکاری با سازمانهای جاسوسی را تشریح نمائیم و بهمین خاطر به همین مقدار ریسنده میکنیم و تحقیق در این باره را به خوانندگان گرامی میسپاریم، کار این گروه، بی آبرو کردن رهبری و سلب اعتماد مردم به آن است.

۲- گروههای طراح با استفاده از اطلاعات بدست آمده از طریق گروه نخست، بر اساس زمینه های عینی - سیاسی و اجتماعی و استراتژی و تاکتیک های انحراف نهضت را فراهم کرده و برنامه حرکت های سیاسی گروههای سیاسی - نظامی تحت نفوذ خود را تعیین و فریب خوردگان را نیز در دراز مدت

۱- این مطالب را روزنامه جمهوری اسلامی نیز یادآور

بدام خود میکشند.

دربیرنامه، این گروهها، ایجاد ناآرامی، برگزازی راهپیمائی های مخالف حرکت مردم، بسیج سازماندهی، عناصردا انقلاب، تهیه خوراک فکری و تبلیغی را برای ناراضیان، انجام حرکت های نظامی از قبیل ترور، آتش سوزی، بمب گذاری و ایجاد کمبودهای تصنعی، و احتکار مواد ضروری، ایجاد جنگ های داخلی، و اعمال سیاست های خارجی، از قبیل: تحریم های اقتصادی و سیاسی و همچنین تحمیل جنگ های ناخواسته و....

اگر بخاطر داشته باشید، چندین ماه پیش یکی از عناصر "دفترهما هنگی" (منافقین به ریاست بنی صدر) در مصاحبه ای اعلام کرد که در یک "بحران عمومی" مسائل حل خواهد شد. اگر روند حرکات ضد انقلاب را طی این مدت پیگیری نماید و وجود خطی که به وسایل مختلف در ایجاد این "بحران عمومی" میکوشد را خوبی ملاحظه میکنید.

استراتژی این گروه بر پایه دو قطبی کردن جامعه و ایجاد تفرقه و تشتت در میان صفوف بهم فشردده خلق و دلسرد و مایوس کردن آن طرح ریزی شده است. بر پایه این استراتژی، با تاکتیک های مختلف چون: ایجاد درگیری های خیابانی، ترورهای فردی و دسته جمعی و حرکت های نظامی، مردم را

میخواهند از صحنه بیرون کرده و در موقعیت مقتضی جوی با
دخالت‌های نظامی و پشتیبانی از گروه‌های مسلح داخلی
قدرت را قبضه نمایند.

اساس این استراتژی را خروج مردم از صحنه تشکیـل
میدهد، چراکه وقتی مردم پشتیبان اهداف خود نباشند، و
خیابان‌ها از جمعیت هشیار و مقاوم تهی باشد، هم‌میتوان راه
بندان مصنوعی ایجاد کرد، هم‌میتوان اعلام حکومت نظامی
نمود، هم‌میتوان اعلام جمهوری دموکراتیک لاهیجان نمود،
و بالاخره میتوان حمام خون برآه انداخت و رهبران مردم را به
جوخه اعدام سپرد.

البته این تحلیل‌ها هنگامی میتواند صحیح باشد و نتیجه
ببار آورد که حاکمیت مکتب محمدی اسلام هم‌از بین برود و خدا و
یادپیا مبرا اسلام (ص) نیز از صحنه خارج شود.

(که هرگز شدنی نیست یعنی حاکمیت مکتب اسلام تا ابد
باقی است)

به‌همین خاطر در سیستم طراحان امپریالیسم یک‌کمیته،
ابداع ایدئولوژی و مخدوش کردن اصالت‌های مذهبی و فرهنگی
نیز فعالانه مشغول بکار است.

وظیفه این کمیته مسخ اندیشه‌های اسلامی و ایرانی و
جایگزین ساختن ساخته‌ها و پرده‌آخته‌های امپریالیستی،

صهیونیستی بجای آن است .

درراس این کمیته شخصیت‌های پُر صلابتی قرار میگیرند که گروه اول از خریدن آنها عاجز است مثلاً "چهره‌های تابناک روحانیت مبارز در طول تاریخ پس از اسلام همواره در لیست سیاه این گروه قرار گرفته است .

تاریخ کوتاه اما پرحادثه و گرانقدر سال‌های پس از انقلاب بخوبی نشان میدهد که چه افرادی موردتهاجم قرار گرفته اند .

از آنجا که این افراد به سبب ایمان به اسلام هرگونه سازشی را مردود می‌شمارند شهادت را نیز با ید جان خریدار باشند .

شهید آیت الله مطهری - شهید آیت الله مفتاح - شهید آیت الله قاضی طباطبائی - شهید حاج مهدی عراقی - شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی و همزمان روحانی و غیر روحانی اش همواره مورد تهدید یا دی امپریالیسم و صهیونیسم بودند . و آیت الله دکتر بهشتی طی دو سال مورد زشت ترییـــن تهمتها و افتراها قرار گرفت و ۵ بار از خطر ترور ، جان سالم بدر برد .

باز هم در این مختصر مجال آن نیست که به مظلومیست شهدای ۷ تیر ماه ۱۳۶۰ و دیگر شهیدان مسلمین بطور مفصل

بپردازیم .

حال اجازه دهید با طرح چند پرسش ریشه های توطئه را بیشتر بشکافیم :

- ۱- چرا این توطئه بدنبال عزل بنی صدر پیش آمد؟
 - ۲- چه رابطهای بین این توطئه شوم و جنگ وجود دارد؟
 - ۳- تحلیل دشمن از اوضاع و شرایط ایران کدام است ؟
همچنانکه میدانید عزل بنی صدر از ریاست جمهوری بمثابة پایان کار او نبوده و بلکه سرآغاز نابودی وی میباشد. این جریان (همانطوریکه مشاهده کردید) تلاشهای مذبحخانه خویش را دنبال کرد و این حرکت در اشکال گوناگون تجلی نمود.
دروجه علنی آن از مهره هائی استفاده کرد و خواهد کرد که تا دیروز دست در دست بنی صدر داشتند و هنوز متاسفانه در مقام های بزرگ مملکتی چون نمایندگان مجلس امثال بازرگان و سحابی ها و معین فرها و ... نشسته اند.
این مهره ها ، اگرچه امروز به خاطر عبی که حضور پر خروش و مصمم توده های انقلابی در دلشان انداخته است ، خاموشند .
اما در موقعیتهای استثنائی که ممکن است ضعف عملکرد های مادر آئینده بوجود آورد ، دوباره جان بگیرند و حرکتهای خود را دنبال نمایند .
- کسانی که دیروز فریاد "انالله وانا الیه راجعون" از



مسلمانی گرویند : امریکا کی جا برودید . راجیسیاؤ عظیم انقلاب جهان سمول اسلام ایران پر علیه نهدر

پشت تریبون مجلس سر میدادند و از حاکمیت بدترین دیکتاتوری سخن میگفتند.

آیا گمان میکنید توبه کنند و به دامن اسلام بازگردند و اگر هم باز کردند آیا نباید کفار و گناهان و تهمتهائی را که بر شهیدان مظلوم تاریخ زده اند باز پس دهند؟

اما اینکه این حادثه در پی برکناری بنی صدر اتفاق افتاد: در زمینه داخلی که قضا یا مشخص است و تحلیل حجه الاسلام آقای رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در سخنرانی دهم تیرماه ۱۳۶۰ روز چهارشنبه در مجلس کا ملا "گویا است.

در زمینه خارجی نیز که مهمترین امیدسیا در ایران که در مهمترین مقام سیاسی کشور طرح صلح را میپذیرفت اکنون کناره رفته است. و شعار "جنگ جنگ تا پیروزی و جنگ، جنگ تا نابودی صدام" مینه های تحقق بیشتری یافته است.

به عبارت ساده تر، امید آمریکا از ایران در زمینه جنگ به کلی قطع شده، دیگر از طریق هیأت های صلح، تحمیل صلح آمریکائی به ایران امکان پذیر نیست. این بود نمونه جنایت و خیانت امپریالیسم شرق و غرب و دست نشانده گان و مزدوران شان.

و اما سخن و مسیر اهداف شهدای این انقلاب:

اهداف شهیدان شاهد تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی ایران



آمریکا و مزدوران و نوکران حلقه به گوشش

نفی کرده و امپریالیسم شرق و غرب و در رأس این برجنا بیست کاران، شیطان بزرگ آمریکای جهانخوا رو مستکبر جهانی را در دنیا ی اسلام رسوا ساختند و توطئه ها و نقشه های آنها را نقش بر آب کردند؛ دست به این توطئه ها و بمب کذا ریه های نا جوان - مردانه زدن نهایت عجز دشمن است و هرگز نمیتوانند مردم را از صحنه دور کنند و هرگز نمیتوانند با این تفکر غلط و منطق غیر - انسانی و خیال خامی که در سر میپرورانند تا نور الله را خاموش کنند و کاری پیش ببرند . و به مقصد شیطانی خویش برسند زیرا نور خدا هرگز خاموش نمیشود برای اینکه این وعده الهی است که تحقق خدا هد یافت .

رُبِدُونَ أَنْ تُطِيقُوا زُرَّ الدُّنْيَا فَوَاهِمُمْ وَبَاسٌ

الله الا ان يتموره ولو كره الكافرون (۱).

و حتی اگر با گفتار دلفریب خود در دنیا مردم را به تعجب و شکفت آورند و از جرب زبانی و دروغ به متاع دنیا برسند هیچ کاری نتوانند کرد ، زیرا به مصداق آیه شریفه قرآن کریم ، در دنیا و قلوب منافقین بیماری است و خداوند به آن بیماری می افزاید و برای آنها را اثر نه که تکذیب منما بندگان عذاب است در دنیا .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (۱)

یعنی، بعضی از مردم که از منافقان باشند از صحبت‌های
دلفریب خودتورا در زندگی دنیا به تعجب می‌آورند و از چرب-
زبانی و دروغ به متاع دنیا برسند و اینان خدا را کواه می‌گیرند
که آنچه می‌گویند با عقیده قلبشان مطابق است در صورتیکه این
کسان سرسخت‌ترین و بدترین دشمنان اسلام می‌باشند.
فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲).

حاصل عرایض و سخن در این مبحث این است که مفاقی یکی
از آفت‌های نهضت عظیم اسلامی در جامعه است که انقلاب و مردم
را تهدید می‌کند با یستی خود را از نفاق دور نموده و منافقین را
از درون سپاه با عظمت حسین بن علی علیه السلام مطرود کرد
زیرا اینان بطور کلی پیروان مکتب تشیع را مرتجع میدانند.
لکن حقیر همچنانکه در سخنرانیهام به این مسئله پاسخ
داده‌ام و اینک نیز بهتر است در این مکتوب به منافقین احمق
و نادان پاسخ داده شده را تکرار نمایم.

مانگهبانان و حافظان اسلام و سپاهیان و یاسداران حدود

۱- آیه ۲۰۴، سوره بقره

۲- آیه ۵، سوره بقره.

الهی و پیروان مکتب تشیع مرتجعیم و خواستار ارتجاع، اما
کدام ارتجاع:

- ارتجاع به فطرت الهی (جل جلاله)
 - ارتجاع به اسلام محمدی (ص)
 - ارتجاع به تشیع علوی (علیه السلام)
 - ارتجاع به صبر مجتبیوی (علیه السلام)
 - ارتجاع به شهادت آفرین حسینی (علیه السلام)
 - ارتجاع به نیاشات نبرد گونه سجاد (علیه السلام)
 - ارتجاع به علوم باقری (علیه السلام)
 - ارتجاع به دانشگاه صادق (علیه السلام)
 - ارتجاع به تحمل زندان و تبعید بدون ذلت و خواری
- موسوی (ع)
- ارتجاع به سیاست رضوی (علیه السلام)
 - ارتجاع به علوم تقوی (علیه السلام)
 - ارتجاع به فلسفه کاظمی (علیه السلام)
 - ارتجاع به زندگی حسن عسکری (علیه السلام)
 - و سرانجام ارتقاء به حکومت عدل محمد مهدی (عج) (ع)
- (والسلام علی من اتبع الهدی)



۳

سومین آفت

ترس و جهل

درس سوم



بُلِّیْ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱):

سومین پایه و ریشه آفتها ترس و جهل می باشد و یکی از بزرگترین و مهمترین پیروزی سپاه عظیم اسلام و انقلا بزرگ اسلامی ایران و یکی از ویژگیهای امت مسلمان و شهید پرور و مبارز و مجاهدین فی سبیل الله و جنگجویان با ایمان نترسیدن است، دشمنان اسلام از شرق گرفته تا غرب از آمریکا گرفته تا شوروی و از کفار گرفته تا منافقین و دیگر مخالفین اسلام و مسلمین برای اینکه به هدف شوم خود که تفرقه و نفاق ایجاد کردن بین صفوف مؤمنین جهت از هم پاشیده شدن

۱- آیه ۱۱۲ سوره بقره: آری کسیکه از هر جهت تسلیم حکم خدا گردید و نیکوکار گشت مسلمانش نزد خدا بزرگ خواهد بود و او را هیچ خوف و ترسی و هیچ حزنی و اندوهی در دنیا و آخرت نخواهد بود.

تشکیلات و سازماندهی اسلامی است بهمین مناسبت یکی دیگر از کارها و اعمال نفاق گونه دشمنان این انقلاب و جمهوری اسلامی محمدی (ص)، ایجاد کردن ترس و رعب در قلوب مردم جامعه به هر شکلی که بتوانند می باشد.

از طرف دیگر میدانیم که ترس و جهل و ناآگاهی یکی از خاصیت های سپاه کفر و ارتشهای طاغوتی است.

به همین منظور سپاهیان پاسدار و نکهبازان اسلام در هر زمان و در هر مکان با ایمان راسخی که در دل دارند هرگز ترس بخود راه نداده و مسیر سردار سپاه اسلام حضرت سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام را ادامه میدهند و شهادت را از امامی چون حسین بن علی (ع) می آموزند.

پاسداران حدود الله و جانبازان و سلحشوران اسلام و نکهبازان مرزهای الهی، در برابر آمریکا (مستقیم و غیر مستقیم) نشان دادند که هرگز از مسیر مستقیم و حنیف الهی منحرف نشده و بیاباکانه به صراط مستقیم خویش ادامه خواهند داد و در این مسیر و جریان احساس هیچ خوف و ترسی و هیچ حزنی و اندوهی را نخواهند کرد. زیرا، مولى الموحدين امیر المؤمنین حضرت امام

علی بن ابی طالب علیه الصلوه والسلام که نخستین امام ماسیعیان هستند و پس از پیاپی مبرعظیم الشان اسلام بدستور خداوند عزوجل حانشین او شده و رهبریت و امامت را بعهده گرفته

و بشریت را دعوت بسوی حق کردند در موردی باک بودن در
طریق الهی و نترسیدن در راه هدایت و رستگاری چنین بیان
کردند:

أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْجِسُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ
أَهْلِهَا فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَى مَا عِدَّةُ شَعْبِهَا
قَصِيرٌ وَجُوعُهَا طَوِيلٌ (۱):

یعنی: ای مردم، در راه هدایت و رستگاری از جهت کمی
پیروان آن (و بسیاری مخالفین) نگران نباشید و ترس و بیم
نداشته باشید.

زیرا مردم گردآمده اند بر سر خوانی (برسریک سفره ای جمع
شده اند) که سیری آن اندک و گرسنگیش بسیار است.

بدین معنی که مردم این زمان به زینت و آرایش دنیا
دل بسته اند که به زودی فانی میشود و بر اثر دلبستگی و پیروی
نکردن از حق، در قیامت به عذاب و گرفتاری بی پایان مبتلا
میگردند.

پس امت حزب الله و مسلمان و مؤمن و مردم شهید پرور
ایران اسلامی و شناخت پیدا کنندگان و حافظان حدود الله و
نگهبانان اسلام در هر لباسی که هستند و در هر پستی و مقام و سمتی

که هستند و در هر زمینی زمانی که هستند، طبق گفته‌ها و فرمایشات کهربا را ئمه اطهار علیهم السلام، هرگز نباید ترس و رعب به دل خویش راه دهند زیرا که حق اند و حق همیشه پیروز بوده و خواهد بود.

هر جندی که عدهٔ جنگجویان با ایمان قلیل باشند با زهم در طریق حیف الهی‌شان به انحراف کشیده نخواهند شد و در راه به ثمر رساندن و پیش بردن اهداف عالیهٔ اسلامی گام نخواهند داشت.

و درستی قرآن محمدی (ص) در دست دیگر سلاح را برمی - گیرند و با بیان و قلم بر آن خویش در رساندن پیام اسلام همچون شمشیر مالک اشتر به پیش خواهند ساخت و با سلاح آهنین ایمان شان، بدون واهمه و ترس، مبارزه را تا حد کمال خود خواهند رسانید و فتح الفتوح را بدست خواهند آورد و به نبرد و قیام و پیام و شهادت شهادت آفرین حسینی خویش تا آخرین قطرهٔ خوتشان ادا می‌دهند و خواهند داد و با قوهٔ ایمان که بالاترین قدرتهاست به پیروزی نهائی به امید الهی دست خواهند یافت.

فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱):

جنگجویان و سلحشوران مؤمن و حافظان حدود و مرزهای

خداوندی و پاسداران مکتب تشیع به مصداق آیه تلاوت شدهء فوق پیروی از دستورات الهی میکنند و از هیچ طاغوتی در هیچ عصری و زمانی، تبعیت نکرده و نمیکند و جز خدا از هیچکس نمیهراسند و ترس به خود را نمیدهند و غمگین و اندوهناک نمیگردند

فَمَنْ أَمِنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱)

پس مؤمنان و صالحان و امت قیام کردهء اسلامی و شناخت یافته و شهید پرور مسلمان ایران که به رهبری فقیهی عادل و مجتهدی اعلم یعنی حضرت آیه الله العظمی امام خمینی انقلاب کرده و ایمان راسخ به خدا و به روز رستاخیز آورده اند و عمل صالح انجام میدهند هرگز شکست نخواهند خورد و خوف و اندوه هم آنان را فرا نخواهد گرفت .

هنگامیکه خداوند قادر و متعال، مؤمنین و تقوی پیشه کنندگان و نیکوکاران و صالحان را وعده میدهد که هیچ خوف و ترسی و حزن و اندوهی برای این چنین افراد نیست . پس ، به طریق اولی، مؤمنین و متقین و صالحین و محسنین، به هیچ وجه نبایستی در مسیر حق و در رساندن پیام خالق به خلق و پیام اسلام به مسلمین از کفار و منافقین ترس و اندوه داشته باشند .

۱- آیه ۴۸، سوره انعام .

فَمَنْ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

(۱)

آری، همچو ملت مسلمان و موء من و متقی و صالح بایسد احکام الهی و اسلامی را بعنوان محور این انقلاب نگهداری کرده و پاسداران این نهضت عظیم حسینی باشند و انشاء الله هرگز به هیچ طریق و راهی با حیلہ های شیطان و توطئه های منافقین و ترسانیدن ظالمانه کفار، گام ننهد و زیراکه خود را با آن پرورش داده و ساخته اند و از مسیر خویش که صراط مستقیم الهی و طریق حنیف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است منحرف نگشته و این انقلاب را که تداوم بخش راه حق حضرت امام حسین علیه السلام است به پیروزی نهائی خواهند رسانید همچنانکه پیروزیها و فتح الفتوح لحظه به لحظه شان به گوش جهان نیا نطنین افکنده است .

پس ای خدای جهان و ای مربی عالمیان ما امت مسلمان و موء من و هدایت شده را آنی بخودمان و امگذار و بعد از آنکه هدایتمان فرموده ای منحرفمان مفرما ، بلکه رحمت واسع و حکمت جامع خود را شامل حالمان کن .

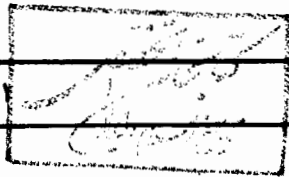
رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ

لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۱).

یعنی، پروردگارا، مایل مکن دل‌های ما را به باطل، پس از آنکه راه نمودی ما را، و بیخ‌ش ما را از نزد خود رحمتی، بدرستی که تو، توفی بغایت بخشنده، خلاصه عرایض اینک، امت شهید پرور مسلمان و ایثارگر و فداکار ایران اسلامی سعی بر آن دارد که بیش از این، بسوی الهی روی آورده و ثابت قدم بماند و در به حرکت درآمدن در این صراط از هیچ نا ملایمات و گرفتاریها، سختیها، بدبختیها، به هیچ عنوانی نمیهراسد و ترس و بیم به خود راه نمی‌دهد.

پس هروقت ما امت مؤمن به اسلام از جهالت و نادانی بیرون آمدیم و از خواب غفلت بیدار شده و هوشیارانه نقشه‌های را که از طرف دشمنان بر علیه اسلام طرح میشود، نقش بر آب کردیم و خنثی نمودیم.

و هر زمان ما مسلمانها و پیروان مکتب تشیع علوی حمایت عملی از طریق امام علیه السلام را کردیم و راه او را با عمل دنبال کردیم و پیرو واقعی و حقیقی او شدیم و فرمان خدا را موبه مو عمل نموده و به اجرا درآوردیم و از هر جهت تسلیم حکم خداوند تبارک و تعالی گشته و نیکوکار شدیم و اگر چه روزی هم خداوند



حکیم مرا به سختیها امتحان کند و بیا زما ید.

در این صورت هم، شناخت پیدا کرده و بیدار شدیم. آن زمان است که عالم عامل و مسلمان حقیقی و موء من واقعی خواهیم بود. و یکی دیگر از آفتها بنام ترس و جهل را ریشه کن خواهیم نمود.

آری، خدای عزوجل با سختیها، ما ننند: ترس و گرسنگی و نقصان اموال مخلوقش را امتحان میکنند و آزمایش بعمل می آید. البته بدون امتحان هم بنده اش را میشناسد و میداند که آیا او از امتحانات سخت رفوزه خواهد شد یا قبول؟

لکن هدف از آزمودن اینست که به خود ما مردم و مخلوق خویش نشان دهد که آیا ما راستگو هستیم و آیا یقیناً "شکرگذار درگاه احدیت هستیم؟ یا اینکه به زبان جاری میکنیم و در عمل فرار را بر قرار ترجیح میدهیم؟

و آیا وقتی که میگوئیم با رالها، خدایا، ما در مقابل مصیبتهای گوناگون صبر و استقامت خواهیم نمود حتماً " این چنین هستیم یا نه؟ پس بایستی مرد عمل باشیم نه حرف. یعنی مسلمان شناسنامه ای نباشیم بلکه موء من واقعی باشیم.

پس، حقیقت دین، ایمان به خدا و قیامت و عمل شایسته

است.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْمٍ

مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱)

وهرآینده البته می‌آزمائیم شما را به شمه‌ای از بیستم
(دشمن) و گرسنگی (یا تنگی و قحطی) و کاستن ازمالها و
نفسها و میوه‌ها یعنی گم شدن پاره‌ای از اموال (و به از بین
رفتن) افراد و مرگ فرزندان (یا به گم شدن میوه‌ها) یعنی با
آفات زراعت پس، (ای پیا مبر خدا) بشارت و مژده ده ما بران
و شکیبایان را،

آری، هرتنی چشنده* مرگست. پس چرا بخود نیائیم و از
این هشدارهای پی در پی خدا وندی بیدار نشویم و در خواب
غفلت بسربریم، و از این امتحانات خدای نخواسته، رفوزه
گردیم.

بلی ما را با چیزهای خوب و بد می‌آزمائید. تا اینقدر به
خود مغرور نباشیم و تکبر از خود نشان ندهیم و بدانیم که
همگی با زگشت بسوی الهی خواهیم کرد.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ
فِتْنَةً وَلِلَّيْنَا تُرْجَعُونَ (۱).

یعنی: هرتنی و هر نفسی چشنده* مرگ است و می‌آزمائیم شما
را (ای انسان) با شر و خیر (خوبی و بدی، تاریکی و روشنائی،

۱- آیه ۱۵۵، سوره بقره.

۲- آیه ۳۷، سوره انبیا.

نور و ظلمت، ظلم و عدل، آزادگی و اسارت، یزدان و اهریمن، می‌آزمائیم، آزمودنی و بسوی ما بازگردانیده میشوید. منظور از امتحان و آزمایش خداوندی این نیست که نَعُوذُ بِاللَّهِ، الْعِيَاذُ بِاللَّهِ، خداوند علم ندارد نخیل، بلکه می‌خواهد استعداد آدمی شکوفا شود و اجر الهی از روی عمل باشد نه علم، پس خداوند تعالی عالم است و از همه چیز با خبر است. اما می‌خواهد خود انسان هم به این مسئله پی ببرد، و ادعای خود را بیش از حد ترجیح ندهد و به خود مغرور نباشد و بیا دخدایش باشد و پا از گلیم خود بیرون ننهد.

حاصل سخن و برداشت کلی ما از این درس این شد که: دشمنان اسلام و مسلمین در جامعه کنونی ما، در صدر آمده است که با تفرقه ایجاد کردن در صفوف بهم فشرده امت اسلام، جامعه مسلمین را از هم بپاشد و اتحادشان را از یکدیگر بگیرد و نگذارد آنها به پیروزی نهائی دست یابند.

به همین منظور اینان (منافقین و ضد انقلابیون) به هر توطئه‌ای دست می‌زنند و حتی در قلوب مسلمانها و مردم جامعه، ترس و رعب ایجاد میکنند. ولی هرگز موفق نخواهند شد و این آرزوی شیطان‌ی خویش را به گور خواهند برد زیرا که مردم پیرو خدا و رسول و ولی امر هستند، دشمنان اسلام علاوه بر اینکه در جامعه ترس ایجاد نمینمایند از جهل و نادانی و ناآگاهی مردم

سوء استفاده کرده و میخواهند به اهداف پلیدشان برسند .
 هر وقت جا هلهای و نادانها و بی خبرها مظهر قدس و تقوی
 شناخته شوند و مردم آنها را سمبل مسلمان عملی بدانند و سیلهء
 خوبی به دست زیرکهای منفعت پرست می افتد . این زیرکهای
 منافق همواره آنها را آلت مقاصد خویش قرار میدهند . و از وجود
 آنها سدی محکم جلوا فکار مصلحان واقعی میسازند . در این
 مورد ، رسول اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص) چنین
 میفرماید :

إِنِّي مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَلَكِنْ أَخَافُ
 عَلَيْهِمُ سُوءَ التَّدْبِيرِ .

یعنی: من از هجوم فقر و تنگدستی بر امت خود بیمناک
 نیستم ، آنچه از آن بر امتم بیمناکم و خوف دارم ، کج اندیشی
 (نادانی و جهالت) است .
 آنچه فقر فکری بر امتم وارد میکند فقر اقتصادی وارد
 نمیکند .

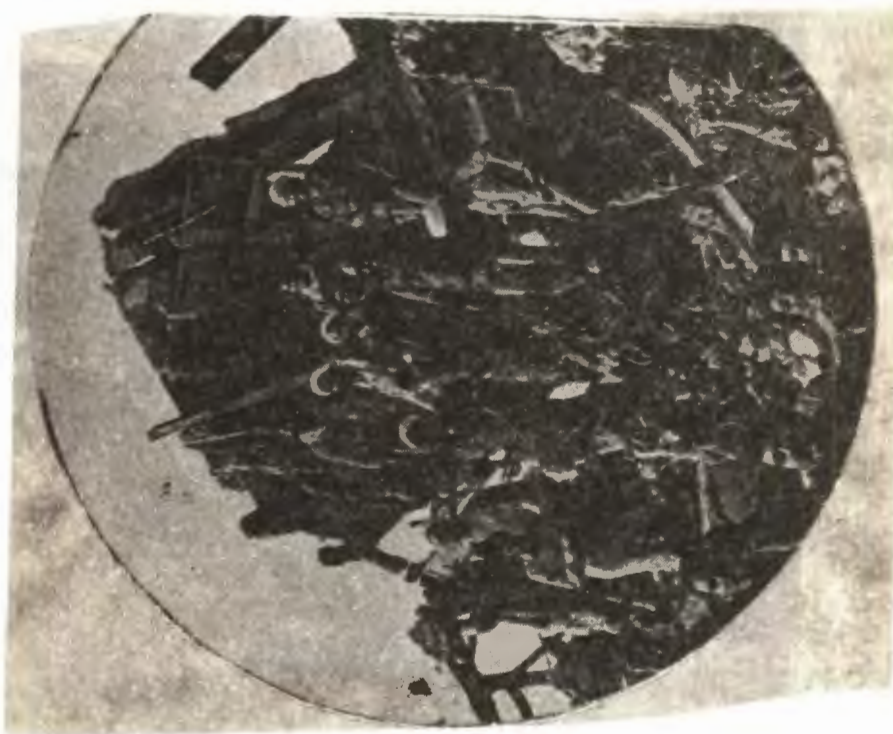
پس چنین نتیجه گیری میشود که هر اندازه احمق و نادان و
 نا آگاه و بی خبر زیاد باشد ، بازار نفاق داغتر است ، مبارزه با
 احمق و نادانان و حماقت ، مبارزه با نفاق نیز هست زیرا
 احمق و شخص نا آگاهها بزار دست منافق است .
 در نصایح مولی الموحدین علی بن ابیطالب علیه السلام

به فرزند برومندش حضرت امام حسن علیه السلام چنین میخوانیم:

..... ایاک ومصادقه الاحمق (۱):

یعنی از دوستی با احمق بهره‌یز که میخواهد به تو سود رساند ولی چون درک ندارد زیان میرساند. خلاصه مبارزه با
 جهل و نادانی و احمق و حماقت، خلع سلاح کردن منافق و
 شمشیر از دست منافق گرفتن است.

"وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى"



کوشه‌ای از دیواره خرابی شهرت: آثار باقی مانده از تجاوزگری بربرستانه مزدوران بعضی این عاملین استعمار
جهانی را بگیرند! ساختمان ویرانه در محله‌ی فریاد می‌زند...



چهارمین آفت

شناخت سه عنصر ناپاک و

دوری جستن از این گروهها

۱- ناکشین

۲- قاسطین

۳- مارقین

درس چهارم



اللَّهُمَّ اقْعِصِ الزُّبَيْرَ بِشِرِّ قَتْلَةٍ وَأَسْفِكْ دَمَهُ عَلَى
ضَلَالَةٍ وَمَرِّفْ طَلْحَةَ الْمَذَلَّةِ وَأَدْخِلْهُمَا فِي الْأَغْرَقِ
شَرًّا مِنْ ذَلِكَ إِنْ كُنَّا ظَالِمًا نِيَّيْ وَأَفْتَرِيَا عَلَيَّ وَ
كُتْمَا شَهَادَتَهُمَا وَعَصِيَاكَ وَعَصِيَا رَسُولِكَ فِي (۱):

ترجمه: یا خدا یا، طلحه و زبیر به من ستم کرده اند و
افترا بسته اند (و نسبت جادوگری و قتل عثمان بمن داده اند)
و شهادت خود را (نسبت به آنچه زبیر غمیر (ص) درباره من
شنیدند) کتمان کردند و نسبت به من از تو و پیغمبرت نا فرمانی
کردند. زبیر را به بدترین وضعی بکش و خونسش را در گمراهی
بریز، و طلحه را خوار گردان و در آخرت بدتر از اینها را برای
آنها ذخیره کن، آمین بگو.

یکی دیگر از آفتها شی که سپاه با عظمت اسلام و نهضت پر-
شکوه حسینی را مورد هجوم قرار داده و تهدید میکند وجود عناصری

نا پاک و خبیث ، همانندنا کشین و قاسطین و مارقین هر عصری
بویژه عصر زمان حال حاضر است .

امت شهید داده و فداکار اسلامی ایران انقلاب شکوهمندی
را که با الطاف خداوندتبارک و تعالی و بیاری حضرت ولی عصر
(عجل الله تعالی فرجه الشریف) امام زمان ارواحنا له
الفداء و بهر هری امام امت بنیانگذار جمهوری اسلامی
ایران حضرت آیت الله العظمی خمینی مدظله العالی، ایجاد
نموده و سپاه اسلام را پس از چهار ده قرن بعد در ایران با ایمان
به خدا و رسول الله و ائمه اطهار علیهم السلام، زنده کرده و
تداوم بخش راه سردار سپاه اسلام مولی الموحدین حضرت امام
علی علیه السلام گشته و هستند .

بهمین منظور باید از علی علیه السلام اخلاص عمــــل
بیا موزیم .

آری، علی بن ابیطالب است که در دوران خلافتش سه قوم
مذکور را از خود مطرود میسازد پس بر پیروان مکتب تشیع است
که جهت حفاظت و پاسداری از اسلام و نگهبانی از حدود و مرز-
های خداوندتبارک و تعالی در هر مکانی و زمانی جا معهه
مسلمین را از لوث وجود عناصرا پاک و مرتد و مفسد پاکسازی
نموده و دین خویش را به اسلام و مسلمین ادا کرده باشند . خلاصه
اگر بخواهیم اینان را از جا معهه و از ارگانه ها و نهاد های انقلابی

و تربیتی (احیاناً "اگر جا زده و نفوذ کرده باشند) پاکسازی کنیم، باید در مرحله نخست پاکسازی را از خود و از درون خود و از نزدیکان خود شروع کنیم و بعداً "دیگر سازی را بیاغازیم. بایستی جهت پیشبرد اهداف عالیه اسلامی آگاهیه و شناخت بایم به اینکه خود و انداز خود را بشناسیم و عناصرتدین و پاک و خوب جا معه را با عناصرنا پاک و کثیف و خیانتکار تشخیص دهیم و روز به روز کوشا تر و فعالتر از روز دیگر گردیم و آنی غفلت ننمائیم زیرا که منافقین و دشمنان اسلام و دشمنان دوست نما که از پشت خنجر میزنند و مستمگران و استعمارگران و حق کشان و دشمنان قسط و عدل و کج اندیشان و ناآگاهان، حملگی آن جنایتی را می آفرینند که در طول این چند سال انقلاب بر سر این امت قیام نموده و ایثار و فداکار و شهید داده، حزب الله ایران آوردند، از قبیل: انفجارات و بمب گذاری ها در اکثر نقاط کشور به اشکال مختلف و بشهادت رساندن هزاران تن از بزرگان و علماء ربانی و فرزندان اسلام و انقلاب شکوهمند ایران که خَالِصاً "لِلَّهِ، فِي سَبِيلِ اللَّهِ در این کشور اسلامی مشغول فعالیت بودند.

آری، این گرفتاریها و ناملایمات و اسیر دست اهریمنان شدن، همه از عدم شناخت چهره این سه قوم مرتد و خبیث و ظالم و حق کش عصر حاضر است.

اینها قومی بودند که به اشکال مختلف و به عناوین گوناگون با سردار سپاه اسلام حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ستیز برخاستند و با سید مظلومان بزرگترین و ممتاز ترین شاگرد پیا میرا سلام جنگیدند، بر علیهش شوریدند و جنگ اعصابی درجا معه براه انداختند و مسلحانه قیام کردند. بلی اینان در این عصر کنونی نیز مشاهده میشوند و اعلام موجودیت میکنند و همان شیوه و راه و رسم را می‌پیمایند و به مسیر شیطان می‌روند. خویش ادا می‌دهند.

لکن تکلیف شرعی و وظیفه انسانی هر فرد مسلمان به ویژه وظیفه امت حزب الله و شناخت پیدا کرده و شهید داده ایشار گرونگهبانان و پاسداران اسلام یعنی روحانیت متعهد و مسئول که علما "و عملا" حفاظت از دین مبین اسلام میکنند و نیز وظیفه مرزبانان و سپاهیان و پاسداران انقلاب شکوهمند اسلامی ایران است که چنین عناصرا صرا نقلا و ضدا سلام و ضد انسان و ضد قانون را به زباله دان تاریخ انداخت و نگذاشت اینها دوباره جان بگیرند و بنام اسلام در لباس اسلام تیشه به ریشه اسلام و قرآن و مسلمین بزنند.

امیرمؤمنان، امام انسان، حضرت علی (ع) اصحاب جمل را ناکشین و اصحاب صفین را قاسطین و اصحاب نهروان را که خوارچ بودند مارقین نامید.

البته لازم به تذکر است که حضرت پیا مبرا کرم (ص) از نقشه خائنانه و توطئه های رنگارنگ آنان، مولی الموحیدین علی (ع) را آگاه میسازد و خبر میدهد که :

سُتْقَاتِلْ بَعْدِي: النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ
وَالْمَارِقِينَ (۱)

یعنی: (ای علی) پس از من با ناکشین و قاسطین و مارقین مقاتله خواهی کرد.

هما نظوریکه میدانیم و در گذشته عرایضات اشاره کردیم این انگلهای جامع در هر عصری خود را در انقلاب جا میزنند و خود را بصورت یک موء من و مسلمان واقعی در بین مردم جلوه میدهند تا روزی که کاری به دستشان افتاد هر جنایتی که بتوانند انجام دهند. همچنانکه کردند.

لکن نتوانستند بحمد الله کاری پیش ببرند زیرا که باطل رفتنی است و محو شدنی و رسوا گشتنی اوصاف و اعمال زشت و ناپسندشان در بین مردم مسلمان شناخته شد و رسوا گشتند و امت حزب الله هر چه بیشتر و مستحکم تر صفوف بهم فشرده خویش را متحد تر کرده و حضور همیشه در صحنه شان را هر چه عالیت در صحنه حق علیه باطل اعلام داشتند، پس باید اولاً "آگاه شد. ثانیاً "

خودسازی نمود و جها داکبر را که تزکیه نفس با شد آغا زیـــــد و
ثالثا "دیگرسازی و جاسازی و پاکسازی و تزکیه عنا صـــــر
نایاک جاسازی و دور و نفاق افکن و فرصت طلب را شروع کرد.

حاصل سخن :

بیائید با برنامه علی بن ابیطالب علیه السلام آشنا
شویم و دستور اتش را پیروی نمائیم و گیتی پهناور هستی با
عظمت اسلام را از وجود طواغیتی چون: استعمارگران و استبداد
طلبان و استثمار و استحمار کنندگان تزکیه نموده و پشت ابر-
قدرتها را که انقلاب اسلامی ایران آنان را به هراس انداخته
است به لرزه درآورده و دماغشان را به خاک مالیده و کمرشان را
خم کرده و به زباله دان تاریخ افکنیم. همچنانکه عده ای از
این مزدوران احمق به آشغال دان ریخته شدند.

پیروی کردن از فرامین و برنامه ها و اوامر گهربار حضرت
علی (ع) شکست نخوردن در جمع بندی جریانات روز و در جمع بندی
جریانات حاکم بر تاریخ است.

برنامه انقلابی علی علیه السلام بهم ریختن آن نظامات
فاسد و فاصله ها و روآمدن شخصیت های متعهد و آزمان رفتن و بر
کنا ر شدن نخاله های خودخواه و خودپرست و فرصت جو و بعدیک
ترکیب اجتماعی نو، اجتماعی انقلابی، اجتماعی پیشرو...

اگر این مسیر انقلاب، در این انقلاب شکوهمند اسلامی ما، این مسیروطریق علی(ع) و این برنامه علی(ع) پیش نرود. باید بطور یقین بدانیم که به جای اول بر خواهیم گشت.

بعداً "میفرماید: حتی آنقدر با بدزیر و روبرو بشوید که آن پائینی‌ها، آن پائین شهری‌ها آن محروم‌ها، آنهایی که زیر پا ماندند، آنهایی که نفس ندارند، ناله‌شان به گوش کسی نمیرسد، اینها بالا بیا بیا بیا بیا آن خودخواهانی که برگردان مردم سوارند اینها با بدیه زیر کشیده بشوند.

حَتَّى يَمُودَ أَصْفُلُكُمْ أَغْلَاكُمْ وَأَعْلَاكُمْ أَصْفُلُكُمْ (۱):

یعنی: زیر پائین‌ها، نادیده گرفته‌ها، محروم‌ها، مستضعفین بالا بیا بیا بیا بیا. مستکبرین خودخواه‌ها، سرمایه‌دارها غارتگرها، باید بروند دنبال کارشان.

گرچه طلعه و زبیر باشند، گرچه در کنار پیغمبر اکرم (ص) شمشیر زده باشند.

و اینک با مختصر توضیح به معنای لغوی و اصطلاحی این سه قوم مطرود از دیدگاه علی(ع) میپردازیم:

۱- ناکشین:

ناکشین را میتوان "خیانت کاران" معنی نمود. بنا بر این سخن از دشمن خارجی نیست، سخن از دوست است، از هم-
۱- خطبه ۱۶، نهج البلاغه

پیمان و همراه است که از پشت خنجر میزنند، این گروه غالباً " بخاطر وسوسه های روانی، خودخواهی، حسد، ضعف شخصیت، تمایل به کسب قدرت و بدست گرفتن رهبری نهضت و حکومت بر مردم، سستی ایمان یا اراده، شهرت طلبی، جاه طلبی، ضعف احساس مسئولیت، عدم آینده نگری، و بسیاری عوامل پیچیده" شخصی که حتی گاهی به خودش نیز پوشیده است و خیانت خود را حتی برای اغفال خود، توجیه میکند، در مسیر حرکت نهضت سنگ می اندازد، انحراف ایجاد میکند، به انشعاب دست میزند، تفرقه بوجود می آورد، جبهه ها را تضعیف میکند، در کنار رسالت اجتماعی "امت" و در آن حال که نهضت با دشمن خارجی درگیر است و با خطر قاطعین تهدید میشود. اختلاف داخلی ایجاد میکند و جبهه فرعی میگشاید.

مولای متقیان در یکی از خطبه هایش در مورد مذمت طلحه و زبیر چنین میفرماید:

طلحه و زبیر هر یک امارت و حکومت بر مردم را برای خود امیدوار بوده و درخواست مینمایند برای رفیقش (زیرا هر یک خلافت را برای خود دست و پا میکند، پس پیمان شکنی و یا غی شدنشان بر من چنانکه اظهار میکنند به طرفداری از دین و ایمان نیست بلکه به جهت حب دنیا و شهوت جاه است) (۱).

وکلام شیرین و آگاهی بخش دیگری نیز پس از کشته شدن عثمان، ایراد کرده که در قسمتی از آن چنین آمده است :

پس از کشته شدن عثمان هیچ چیزی مرا به صدمه نینداخت مگر اینکه مردم مانند موی گردن گفتار به دورم ریخته، از هر طرف بسوی من هجوم آورند بطوری که از ازدحام ایشان و بسیاری جمعیت حسن و حسین زبردست و پاهای رفتند و طرف جامه وردای من پاره شد. اطراف مرا گرفتند، برای بیعت کردن مانند گله گوسفند در جای خود، سپس میفرمایند :

فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكُنْتُ طَائِفَةً وَمَرَقْتُ أُخْرَى
وَقَسَطَ آخَرُونَ (۱) :

ترجمه : پس چون بیعتشانرا قبول و به امر خلافت قیام کرده و مشغول شدم طائفه ای (طلحه و زبیر و دیگران) بیعت مرا شکستند و گروهی (خوارج نهروان و ساثرین) از زبیر را بیعتم خارج شده و از دین بیرون رفتند و جمعیتی (معاویه و دیگر کسان) از اول سرکشی و طغیان کرده و از اطاعت خدای تعالی بیرون رفتند. با شنیدن سخنان کهربا را میروم منان علی علیه السلام آگاهی مییابیم که طلحه و زبیر و دیگر همفکرانشان خودشان را در انقلاب اسلامی جاذبه بودند و شکل انقلابی بخود

گرفته و فکر میکردند که به این وسیله میتوانند جلو بروند و بر
منصب حکومت دست یابند.

لکن چونکه اینها پاکسازی نشده اند و تزکیه نفس در اینها
پیدا نشده، نمیتوانند خود را در مرحله تزکیه (۱) نشان دهند
و اینان به زباله دان تاریخ افکنده شدند.

زیرا آنها فرصت طلبان، پول پرستان، صاحبان معد مع و
طرفدار تبعیض، بودند که خودشان را در انقلاب جاذبه بودند.
مولای متقیان علی بن ابیطالب علیه السلام، پس از
قتل عثمان درباره طلحه و زبیر مطالبی بیان داشته و خطبه ای
ايراد کردند که قسمتی از ترجمه آن خطبه بدین قرار است:
پس از قتل عثمان برای بیعت کردن، بمن رو آوردید،
مانند: رو آوردن نوزائیده ها به فرزندان، پی در پی
میگفتید آمده ایم بیعت کنیم، دست خود را بهم نهادم شما باز
کردید و آنرا عقب بردم، شما بسوی خود کشیدید.

خلاصه با کمال رغبتی که شما به بیعت با من داشتید من به
آن مایل نبودم پس چرا نقض بیعت کردید. اینک من هم
شکایت شما را به خدا برده و میگویم:

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُمَا قَطَعَا نِي وَظَلَمَا نِي وَنَكَثَا بَيْعَتِي،

۱- در سری مباحث ایدئولوژیک ۴، مسئله تزکیه به طور
کامل واضح خواهد شد.

وَالْبِأَنَاسِ عَلَيَّ (۱):

بارخدا یا ، طلحه وزبیر ، (ازقریش هستند و من هم از آن طائفه ام) با من قطع رحم کرده ، ستم نموده و پیمان خود را شکستند و مردم را بر من شوراندند .

۲- قاسطین :

قاسطین کسانی بودند که به سرکردگی معاویه بن ابی سفیان (لعنت الله علیهم) در صفین با امام اول ماسیعیان جهان اسلام ، به ستیز برخواسته و جنگیدند .
اما قاسطین از ریشه " قسط " و قاسط یعنی " فدا قسط " یعنی ستمگر ، استثمارگر ، حقش ، دشمن قسط و دشمن عدل .

بنا بر این منظور از قاسطین همان " ظلمه " هستند یعنی کسانی که آشکارا ستمکاری ، جبار ، جلاد ، دشمن آزادی و حقوق مردم ، زورورپرست ، قدرت طلب ، متجاوز و مستبد هستند .
وجهه شان ، چهره شان ، قیافه شان ، راه و روش شان ، گذشته و آینده شان ، شعار شان ، کاملاً معلوم و مشخص است و مردم هم بدون شک و تردید ، همه آنها را می شناسند .

بعبارت ساده‌تر، قاسط همان دشمن رویا روی خارجی است.

حضرت مولی‌الموحدین امیرالموءننین علی علیه‌السلام معاویه و لشکرش را قاسطین خطاب میکند. روح قاسطین روح سیاست (خده‌گری، شیطننت، نیرنگ، حيله و مکر) و تقلب و نفاق بود، آنها میکوشیدند تا زمام حکومت را در دست گیرند و بنیان حکومت وزما مداری برحق علی بن ابیطالب علیه‌السلام را درهم‌فروریزند.

عده‌ای پیشنهاد کردند تا علی (ع) با آنها کنایا بدو تا حدودی مطامعشان را تامین کند.

ولی هیئات، ننگ از علی دوراست، تسلیم ظالم شدن هرگز، هرگز علی نمیپذیرفت برای اینکه علی آمده بود که با ظلم و ستم مبارزه کند نه آنکه ظلم را امضاء کند. درحقیقت جنگ علی (ع) با معاویه و لشکرش، جنگ با نفاق و دورویی بود درجنگ صفین در آخرین روزی که جنگ داشت به نفع علی علیه‌السلام خاتمه می‌یافت معاویه با مشورت عمرو عاص دست به یک نیرنگ ماهرانهای زد، او دید تمام فعالیتها و رنجهایش بی‌نتیجه ماند.

و با شکست، یک قدم، بیشتر فاصله ندارد. فرمان داد تا لشکریان ۵۰۰ قرآن بر سر نیزه‌ها کرده جلوشکریان حضرت

علی (ع) آورده، فریادکردندای مسلمانان، کارزارو جنگ
دما را زروزگار عرب برآورد.

و اینهمه مخالفت بنیادقبائل ما و شما را برانداخته
بیائید تا به کتاب خدا بازگشته به آنچه میان ما حکم کند رضاء
داده، دست از مخالفت برداریم.

این سخن تازه ای نبود که آنها ابتکار کرده باشند همان
حرفی است که قبلاً "علی علیه السلام گفته بود و تسلیم نشدند و اکنون
هم تسلیم نشده اند. بهانه ای است، تاراه نجات یا بندها از
شکست قطعی خود را برهانند.

لکن علی فریاد برآورد: بزنید آنها را، اینها صفحه و
کاغذ قرآن را بهانه کرده میخواهند در پناه لفظ و کتابت قرآن
خودشانرا حفظ کنند و بعداً "بهمان روش ضد قرآنی خود ادا مـه
دهند.

کاغذ و جلد قرآن در مقابل حقیقت آن ارزش و احترام مبـی
ندارد.

قرآن ناطق و حقیقت و جلوه راستین قرآن منم، اینها
کاغذ و خط را دستاویز کرده اند. تا حقیقت و معنی را نابود
سازند. اما قبول نکردند و این حیلۀ دشمن موء شرش و لشکر
عراق از آن سخنان، متردد گشته، در جنگ سستی نمودند و
دوازده هزار نفر (۱۲/۰۰۰) روگردانند و به حضرت گفتند:

مالک اشتر را از جنگ بازگردان و گرنه با تومی جنگیم.
آن جناب لاجرم مالک را بازگردانید و قضیه حکمی—روی داد.

اما مسئله این است که وقتی علی فریاد بر میآورد و لب به سخن می‌گشاید و حقیقت مطلب را ایراد میکند.
در این صورت عده‌ای از نادانها و مقدس نماهای بی‌تشخیص که جمعیت کثیری را تشکیل میدادند و به یکدیگر اشاره میکردند که علی چه میگوید؟

فریاد کردند که آیا ما با قرآن بجنگیم؟
جنگ ما بخاطر احیاء قرآن است. آنها هم که خود تسلیم قرآنند، پس دیگر جنگ چرا؟
علی علیه السلام فرمود: من نیز میگویم بخاطر قرآن بجنگید.

اما اینها (قاسطین) با قرآن سروکار ندارند.
لفظ و کتابت قرآن را وسیله حفظ جان خود قرار داده‌اند چنانکه معروض داشتیم: نپذیرفتند زیرا جهالت و نادانی سراپای اینان را فرا گرفته بود.
درفقه اسلامی، در کتاب الجهاد، مسئله‌ای است تحت عنوان "تترس کفار به مسلمین".

مسئله این است که اگر دشمنان اسلام در حالیکه با مسلمین

در حال جنگ است عده‌ای از اسرای مسلمان را در خط مقدم جبهه سپر خویشتن قرار دهند و خود، در پشت این جبهه مشغول فعالیت و پیشروی باشند بطوری که سپاه اسلام اگر بخواهد از خود دفاع کند و یا به آنها حمله کند و جلوی پیشروی آنها را بگیرد چاره‌ای نیست جز اینکه برادران مسلمان خود را که سپرواقع شده‌اند نیز به حکم ضرورت از میان بردارد، یعنی دسترسی به دشمن ستیزه‌گرومها هم مکان پذیر نیست. جز با کشتن مسلمانان، در اینجا قتل مسلم بخواطر مصالح عالیه اسلامی و بخواطر حفظ جان بقیه مسلمین در قاتلون اسلام تجویز شده است. آنها نیز در حقیقت سربازان اسلامند و در راه خدا شهید شده‌اند.

منتهی باید خونبهای آنان را به بازماندگان شان از بودجه اسلامی بپردازند (۱).

۳- مارقین :

مارقین کسانی بودند که در نهر و ان با علی علیه السلام به نبرد پرداخته و امام (ع) نیز با آنان به کارزار پرداخت و آنها را از خود طرد نمود.

امام معصوم این اصطلاح را درباره کسانی که رمی بر دکه

دراثر اشتباه، بداندیشی، کجفهمی، بی‌شعوری، تعصب خشک، کم‌آگاهی، جهالت، شایعه‌سازی فریبکاران و دشمنان داخلی و خارجی، عقده‌حسود و غرض‌ شخصی و خودخواهی و... از راه‌دین و راه‌درستی و درست‌اندیشی و صراط مستقیم الهی خـارج میشوند و با حق به‌دشمنی می‌آغازند. آلت فعل دشمن میشوند و مزدوری‌مزد، درحالی‌که قبلاً "در راه‌دین، در راه‌درستی، و در راه راستی بودند و در جبهه حق، ولی در اثر این زمینه‌سازی‌ها و تبلیغات سوء دشمن، از جبهه حق و طریق صحیح و حنیف خداوند تبارک و تعالی منحرف میشوند و به شعبه‌های مختلف درمی‌آیند.

و خیال میکنند که جبهه حق و راه‌درست و جهت‌گیری صحیح را انتخاب کرده‌اند و درست فکر میکنند و خوب کار میکنند و خلاصه مردمی عبادت پیشه بودند و شبها را به عبادت می‌گذراندند و چندان میل به دنیا نداشتند با این همه از مسیر الهی دور گشتند. پس سپاهیان علی و پاسداران انقلاب شکوهمند اسلامی ایران قبل از طردن مودن مارقین خارجی، بایستی مارقین داخلی را از بین ببرند یعنی تزکیه نفس داشته باشند و روح خشک و جهالت را کناره‌گذاری و خود را اصلاح نمایند و الا خود نیز از آنها خواهند بود. خلاصه، علی علیه السلام در برابر جاهلیت جدید و اشرافیت جدید که دارد در متن اسلام وزیر نقاب حقیقت

و در مکتب انقلاب عدالتخواهان^۱ اسلامی جان میگیرد علی بن ابیطالب (ع) یک پایگاه مقاومتی است و چندین سال تمام تلاش و کوشش در جبهه داخلی، با شرکی که جامه توحید به تن کرده بود (۱) کافری که در ردای اسلام بیرون آمده بود (۲) وبا، بت پرستی که قرآن بر سر نیزه داشت (۳) گذشت.

و همچنین علی (ع) پس از خاتمه جنگ نهروان خطبه ای ایراد فرموده و از فتنه و فساد دینی میوه وطلحه و زبیر را و خوارج خبر داده و جمله زیبایی جهت آگاهی امت اسلام بیان فرمودند که از آن جمله است: پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیغمبر اکرم (ص):

فَاَنَافَقَاتُ عَيْنِ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِي عَلَيْهَا أَحَدٌ
غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غَيْبُهَا وَاشْتَدَّ كَلْبُهَا،
فَأَسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي (۱):

یعنی: (ای مردم) من چشم فتنه و فساد را کور کردم (با طلحه و زبیر و پیروان نشان در جنگ جمل وبا معاویه و لشکرش در جنگ صفین وبا خوارج در نهروان جنگیده، نگذاشتم فسادشان عالمگیر گردد) و غیر از من کسی بر "دفع" آن فتنه و فساد دجرات

۱- ناکثین

۲- مارقین

۳- قاسطین

۴- خطبه ۹۲، نهج البلاغه.

نداشت پس از آن که تاریکی آن، موج زده و سختی آن، روبه
افزونی نهاده بود.

همه جا را فتنه فرا گرفته، هیچکس نمیدانست چه باید کرد
زیرا اهل اسلام حکم جنگیدن با اهل قبله را از آن پیش نداشته
جرأت بر آن نداشتند، چنانکه ابن عمرو و سعد بن مالک و ابو
موسی و مانند ایشان از آن حضرت کناره گرفته گفتند:

از این فتنه ای که در میان مسلمانان واقع شده اجتناب
و دوری سزاوار است. پس (چون به همه چیز دانا هستم احکام و
مسائل دین خود را) از من بپرسید. پیش از آنکه مرا نباید،
(و به حکم عقل و نقل جرأت نیست کسی را جز علی بن ابیطالب
و ائمه اطهار علیهم السلام که در بالای منبر بگویند:

فَاسْأَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي :

یعنی: بپرسید از من پیش از آنکه مرا نباید. زیرا
پرسشها بیشمار و گوناگون است. بعضی راجع به معقول و
برخی مربوط به منقول و دسته ای در باب عالم شهود و پاره ای
در باب عالم غیب و همچنین راجع به گذشته و یا آینده و یا
زمان حال باشد. و ممکن نیست کسی بتواند این پرسشها را
پاسخ گوید مگر کسیکه از جانب خداوند تأیید شده و از منبع علم
و حکمت و سرچشمه کمال و معرفت، علوم اولین و آخرین را
آموخته باشد.) آری آنچه از خطبه های حضرت بدست می آید این

است که مولای متقیان بعنوان یک افتخار بزرگ برای خود میگوید: این من بودم، و تنها من بودم، که خطر بزرگی را که از ناحیه این خشکه مقدسان به اسلام متوجه میشد درک کردم پیشانیهای پینه بسته اینها و جامه های زاهدانه شان، و زبانهای دائم الذکرشان و حتی اعتقاد محکم و پابرجای شان نتوانست مانع بصیرت من گردد.

من بودم که فهمیدم اگر اینها پا بگیرند همه را به درد خود مبتلا خواهند کرد. جهان اسلام را به جمود و ظواهرگرایی و تَقشُّر و تَحجُّری خواهند کشانید که کمرا سلام خم شود.

مگر نه این است که پیغمبر فرمود: دودسته پشت من را

شکستند:

۱- عالم لایالی (۱)

۲- جاهل مقدس مآب (۱)

نتیجه و حاصل سخن:

برای اینکه خلاصه ای از بحثمان و حاصلی از عرایضمان و نتیجه ای از درسهای ما معروض بداریم بهتر است چکیده ای از صفات سه قوم مزبور عرض خویش را بنگریم و هوشیار و بیدار بوده و

پیرو واقعی علی علیه السلام باشیم و سپاه و حکومت عدل علی (ع) را در ایران اسلامی پیاده نمائیم انشاء الله و اما از ناکشین های عصرمان میتوان سید کاظم شریعتمداری و امثال او را نام برد و از قاسطین زمان خویش میتوان صدام ملعون رئیس حزب بعثی کا فر عراق و لشکر مزدورش که خود نیز مزدور شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار است، نام برد. و ما رقیبن را نیز میتوان گولخورده های احمق و جاهل و خشکه مقدس های نا آگاه دوران خود، نام نهاد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا
بِأَنْفُسِهِمْ (۱):

سید کاظم شریعتمداری بعنوان یک مرجع تقلید بشمار میرفت ولی همچون طلحه و زبیر با حیلها و مکرهای گوناگون دست به نیرنگهای مختلفی زد و سرانجام خودش در نفس خویش تحولی ایجاد کرد و خود را از خوشبختی و از آن مقام شامخ روحانیت و مرجعیت ساقط کرد و در تاریخ بعنوان یکی از ناکشین زمان نام نهاده شد (۲). آری با مسئله شریعتمداری

۱- سوره الرعد، آیه ۱۲.

۲- البته لازم به تذکر است که در کلاس درس این مسئله را تشریح نکرده بودیم فقط نامش را معروض داشته بودیم زیرا که هنوز جنایات او افشا نشده بود. و او از مرجعیت خلع نشده بود و اینک به تفصیل میخوانیم.

چنان باید برخورد کرد که تاریخ و نسل‌های آینده نیز عمیقاً
مطلب را بتوانند کما هو حقّه دریا بند و بتوانند بدرستی قضاوت
کنند و بیزمان را بشناسند و بفهمند که یک درس خوانده حوزه
رفته به مقام مرجعیت رسیده‌ال چگونه و چرا از مرجعیت افتاد؟
با این مسئله چنان باید برخورد کنیم که آیندگان نگویند
دیگران دخالت کردند و او را ساقط کردند. باید بتوانیم به
نسل امروز و فردا و فرداها بفهمانیم که شریعتمداری خودبسه
دست خود سقوط کرد.

آنچه فوقاً "گفتیم نگرانی‌ها بود که گاهی متبادر به ذهن
میشد. چون به هر حال این، مسئله‌ای است مهم و از نظر تاریخی
بی‌سابقه، ولی با این وجود با همه اهمیت که بر آن مترتب
است نباید گفت نگرانی واقعاً "بی‌مورد است زیرا در اثر گذشت
تاریخ و روشن شدن حقایق، ماهیت علی (ع) و عمارها را از یک
طرف و زیبر و طلحه و عایشه‌ها را از طرف دیگر شناخته‌ایم و در آن
میان توانسته‌ایم خوب قضاوت کنیم.

و همچنین همان قدر که اصل قضیه (سقوط از مرجعیت) مهم
است دلیلش هم روشن است. مرجعی از مرجعیت ساقط میشود
الما به چه دلیل و به چه جرمی؟ به دلیل شرکت در توطئه کثیف
براندازی حکومت اسلامی، به جرم همکاری با کسانی که قصد
قتل امام امت، بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر کبیر

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران را داشته‌اند.

اصلاً "ما به حد اقل قضیه اکتفا میکنیم. حد اقلش همان است که آقای شریعتمداری اقرار کرده است، اقرار به اطلاع از ما چرا. و این حد اقل، یعنی اطلاع از کار جمعیت و گروهی که اسباب و لوازم قتل امام و حتی قتل افراد عادی مردم (سکنه جماران) را تدارک میدیده‌اند. و مگر چنین حد اقلی برای یک مرجع تقلید که خود را *لأَبْدًا عِلْمٌ وَ أَفْقَهُ وَ أَعْدَلُ* مردم و رهبر آنان میداند کم است؟!

ما در مواردی مثلاً "در همین مورد، چنین حد اقلی را حتی برای افراد عادی نیز نوعی حد اکثر حساب میکنیم تا چه رسد به فقها و علما که فی الواقع گناهان صغیره دیگران برای آنها کبیره است. پس درست است که مسئله سقوط از مرجعیت امری است بی‌سابقه و تکان دهنده، اما بی‌سابقه ترو تکان دهنده تر از آن دخالت یک مرجع در شوطهء منجر به قتل مرجع و امام و شمار بسیاری از مردم کوچه و بازار است و این است که می‌بینید جرم چندان عظیم است و حادثه چنان شوک آور که تا امروز حتی متعصب ترین اعوان و انصار مشا را لیه نیز جرأت ابراز مخالفت را نیافته‌اند. یعنی این بار بحث بر سر مخالفت شریعتمداری با قانون اساسی و رأی ندادنش به سندخون شهیدان نیست تا جائی برای گفتگو باقی گذاشته باشد و جمعی

به هواداری و جمعی به ضدیت در برابر هم آرائی کنند. این
 بار سخن از تشکیل و تأیید حزب منحلّهٔ خلق نامسلمان در میان
 نیست. تاجک و جدال سیاسی و علمی و فقهی و فلسفی و...
 را ایجاب کند. و بریزند و رادیو و تلویزیون را تصرف کنند و
 نیروهای نظامی و انتظامی بخاطر پرهیز از تشدید اختلاف و
 فتنه و خونریزی بایستند و نظاره کنند و مرد دبا شدند که چه باید
 کرد و پای مرجع و فقیه و روحانی در میان است. همچنین این
 بار بحث از سیاست سازش و تزگام به گام و تأیید قانون اساسی
 شاهنشاهی نیست که امر به بحث و گفتگو موکول باشد.

حتما "پای این بحث هم در میان نیست که ایشان با مسئله
 "ولایت فقیه" برخورد غیر اسلامی دارند تا با زهم با همه عظمت و
 اهمیت، مسئله مورد نظر، اغماض شود و به آزادی فقهاء در
 اجتهادات و آراء فقهی استناد شود.

نه، این بار هیچکدام از اینها نیست. این بار مسئله‌ای
 در میان است که هر عقل سلیم و فطرت پاکی میفهمد و قضاوت
 میکند. این بار مسئله‌ای مطرح است که بقول فلاسفه از بدیهات
 عقلی است! یا بقول همانها از مسائل و مباحثی است که صرف
 تصورش تصدیق آوراست. تصورش عین تصدیق است! از هر
 فطرت پاکی بپرسید حکم کسی که از یک توطئه قتل و کشتار
 مطلع بوده و حتی با توطئه گران تماس داشته است چیست خواهند

گفت ... ! تا چه رسد به کمک مالی و وعده تأیید بعدی آنهم نه از زبان حکومت کنونی تا ادعا تلقی شود بلکه از زبان صادق قطب زاده و سید مهدی مهدوی (عاملان توطئه) که دیگر حساب کار با کرام الکاتبین است.

همین بدیهیات است که مردم را، حتی مردم آذربایجان را، حتی مقلدین سابق شریعتمداری را بدون تأمل بسه خیا با آنها میکشاند و آنها یک صدا علیه او فریاد میزنند. که یکی از شعارهای داده شده توسط مردم شناخت پیدا کرده و حزب الله بدین قرار بود:

مرگ بر سه مفسد روزگار ریگان و صدام و شریعتمدار

آری، کار از بحث فکری و فلسفی و اختلاف اجتهادی و فقهی گذشته است.

کار، از جرم سیاسی هم گذشته است. اصلاً "مرجعیت هیچ، فقا هت به کنار"، فرض میکنیم یک آدم عادی و بدون لباس روحانیت و بدون سابقه علمی و فقهی، آنجا نشسته و از همانجا با توطئه گران و نقشه ریزان و محاربین و کسانیکه مقدمات قتل امام و مردم را تدارک می بینند به نحوی همیاری داشته است. تکلیف چنین کسی چیست؟ چنین است که امروز کار از لفظ و عبارت هم گذشته است. سقوط، اسقاط، عزل، خلع،

سلب، از دست دادن صلاحیت یا هر لفظ دیگر. گرچه کاربرد لفظ بجای خودش و در موضع خودش لازم است و استعمال لفظ در غیرما وضع له جایز نیست. اما کار از این حرفها گذشته و آنچه مهم است واقعیتی است که در برابر چشم مردم مثل آفتاب پدیدرخشد. مهم، محتوی و معنی و مفهومی است که ذهن جامعه و وجدان عمومی دریا فته است.

برای همین است که ما درکنندگان اطلاعیه‌های مختلف و درسطوح مختلف، الفاظ و تعبیرات مختلف بکار می‌برند و مهم این است که آن که علیه شریعتمداری فریاد می‌زند و پروش می‌تواند علت فریادزدنش را توضیح دهد. بهتر است به گذشته برگردیم و این جریان را به‌ترتیل تحلیل نمایم و زیرزمان را بشناسیم.

چرا زبیر سقوط کرد؟

مولی‌الموحدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در زمان حکومت خود یکی از مشکلترین و حساسترین با می که برایش روی داد جریان جنگ جمل بود. شاید از نظر طولانی بودن جنگ، بزرگترین جنگی که علی (ع) با آن مواجه گشت جنگ صفین بود، لکن جنگ جمل از نظر کیفیت و چگونگی و محتوی، بسی برای مولای متقیان حضرت علی (ع) اشکال‌آور

بود که در جنگ صفین و دیگر جنگها این اشکال پیش نیا مده بود .
یعنی بعبارت دیگر برای علی (ع) مشکل این نبود که چه کسی
قدرت جسمی بیشتر دارد و یا چه کسی لشکر بسیاری دارد و عده
جنگجویان کدام طرف زیاده است . برای امیرالمؤمنین (ع)
این مسئله ای نیست که کدام یک از جنگها طولانی تر از دیگری
است و جنگ صفین که خیلی طولانی است مسئله ای نیست زیرا که
طرف مقابلش را همه میشناسند که معاویه است و معاویه خبیث
هم پسر ابوسفیان و ابوسفیان نیز مخالف سرسخت پیا مبر اسلام
و دین اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام است هرچندی که علی الظاهر
برای فریب و گول زدن عوام الناس قرآن بر سر نیزه میزند و
ناتگاهان و جاهلان را منحرف میکند .

ولی آنچه که برای مولای متقیان مهم است و بیشتر خاطر او
را رنج میدهد و گرفتاری ایجاد میکند . دوستان و هم پیمانان
و همراهان سابق او است که از پشت خنجر میزنند که در رأس آنان
طلحه و زبیر و عایشه واقع شده اند .

زبیر کیست ؟

زبیر کسی است که سابقه اسلام طولانی دارد .

" " " که نه از بنی امیه بلکه از بنی هاشم است .

"

زبیر کسی است که در جنگهای بزرگ در برابر رسول الله به
امریا مبر خدا شرکت کرده است .

زبیر کسی است که پس از رحلت رسول اکرم (ص) در سقیفه
طبق روایت بعضی از تواریخ، اولین کسی بود که از حق علی
(ع) دفاع میکرد .

زبیر کسی است که ۲۵ سال در زمان خانه نشینی امیر -
المؤمنین (سلام الله علیه) روزی نبوده است که از حرفش
بگذرد و بگوید حق جز علی برای دیگری است .

زبیر کسی است که در تمام این ۲۵ سال به دفاع از علی (ع)
بر خواسته است . و در شورائی که خلیفه غاصب دوم پس از
مرگش قرار میداد و نفر در آن شورا اجتماع میکنند، اولین
کسی که سخن بمیان می آورد و حرف میزند زبیر است که میگوید :
من از حق خودم بعنوان یکی از اعضای شورا میگذرم و با
علی بیعت میکنم .

پس از جریان شورا که عثمان پست را اشغال میکند . زبیر
است که در طول خلافت غاصبانه عثمان ملعون، با عثمان
مخالفت میکند .

زبیری که دائماً "بر علیه عثمان شورش میکند .

زبیری که پس از مرگ عثمان و کشته شدن آن، اولین کسی
است که علی (ع) را میپذیرد و با او بیعت میکند .

یک همچو شخصیتی درپیش طرفداران علی علیه السلام
محبوبیت دارد. سابقه دوستی با علی (ع) دارد.

همین آقای زبیرا امروز در جنگ جمل اولین شخصی است که
با علی (ع) می‌جنگد این مسئله مهم است بدلیل اینکه اکثر
اطرافیان علی (ع) و دوستان امام. به شک و تردید می‌افتند در
اینکه چرا زبیرا اینطور از آب درآمد و چطور شد که آب به آسیاب
بیگانگان ریخت. خلاصه در بین اصحاب بگو، مگو شروع می‌شود.
علی علیه السلام با چنین روز و موقعیتی مواجه می‌گردد.

در اینجا علی (ع) چه بگوید؟

آیا بگوید زبیرا کافر است؟ آیا به مردم بگوید زبیرا را اول
با من دشمنی و کینه دیرینه داشته است؟ آیا امام (ع) بفرماید
که زبیریکی از طرفداران عثمان بوده است که امروز با من
دارد مخالفت میکند؟ و یا چه بگوید؟

اینجاست که امام (ع) در شناساندن دشمن حق، درست
مطلب را روشن و واضح میکند و علت سقوط زبیرا را تبیین کرده و
ناتگاهان و جاهلان را تنبیه میکند و چنین می‌فرماید:
إِعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ، إِعْرِفِ الْبَاطِلَ تَعْرِفْ
أَهْلَهُ:

باحق، شخصیتها را بشناسید، نه با شخصیتها، حق را.
یعنی: میزان تشخیصتان شخصیتها نباشد بلکه حق باشد.

بعبارت ساده تر، یعنی نخست حق را بشناسید سپس اهل و صاحبش را خواهید شناخت. باطل را بشناسید بعداً "طرفداران و پیروان باطل را خواهید شناخت".

پس اگر حق را بشناسیم دیگر طرفدار شخصیتی همچون زبیر را (که تمایل به کسب قدرت نموده و تابع هوی و هوس نفسانیش گردیده و فکر بدست گرفتن رهبری را در سرش پرورانده) نخواهیم کرد، زیرا در لباس اسلام تیشه به ریشه اسلام زده و از پشت خنجر زده است خلاصه زبیر با تبعیت از هوی و هوس موجب سقوط خود گردید. وَقَسَّ عَلَىٰ هَٰذَا آيَ شَرِيعَتِنَا نَحْنُ نَحْنُ شَدَّ . اگر میگوئیم سقوط کرده همه میدانند که خودش، خودش را به سقوط کشاند و اگر میگوئیم خلع شد میدانیم که خود بدست خود خلع شد.

کسی او را نصب نکرده بود و کسی هم او را عزل نکرد. خودش بدست خویش عزل گردید درست مثل مواردی که یک وکیل "در هر مورد" به دلیل عدم انجام شرایط خود بخود منعزل میشود.

در روایت داریم که :

"الْفُقَهَاءُ أَمَاءُ الرَّسُولِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا"

یعنی فقهاء امین پیا میبرند تا وقتی که در دنیا و دنیا

گرائی داخل نشده اند.

لفظ "امین" گویای همین مطلب است که هرگاه آنکه به

عنوان امانت دار تعیین شده است . شرائط امانت را رعایت نکرد خود بخود از وصف امین خارج شده و خائن خواهد شد. (مَالَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا) یعنی تا در دنیا پرستی داخل شد خود بخود از امین بودن عزل میشود، ساقط میشود، خلع میشود. سقوط میکند.

بگذارید همینجا توقف کنیم که سخن به درازا کشید و لازم به توضیح و تشریح بیشتر از این نیست زیرا که مطبوعات و رسانه های گروهی و از آنها بالاتر خود مردم بیشتر و بهتر از همه به این مسائل واقف بوده و شنیده و دیده و خوانده و نوشته اند که از آن جمله است : روزنامه جمهوری اسلامی ، روزنامه اطلاعات ، روزنامه کیهان و دیگر مجلات و ... این جریان را بنحوا حسن از لسان مجتهدین، علماء ، وائمه جمعه و مسئولین متعهد و مبارز کشور جمهوری اسلامی ، تشریح کرده و توضیح دادند و در اکثر شماره های خود این جریان ناکشین زمان را درج کردند که اکثر خوانندگان ملاحظه فرموده اند .

بلی با شناخت اوصاف زشت ناکشین احوالات و اوضاع کثیف و خبیث قاسطین بطریق اولی بر امت حزب الله و حافظان و نگهبانان حدود الهی و پاسداران واقعی انقلاب شکوهمند و تکاملی اسلامی روشن شده و واضح و آشکار میگردد و دیگر احتیاج به توضیح بیشتر از این، در این باره نیست .

ولی در مورد "ما رقیبن" همین قدر کفایت میکند که
 داستان خوارج این حقیقت را به ما میآموزد که در هر نهضتی
 نخست با بدسپرها راننا بود کرد و با حماقتها جنگید (۱).
 همانطوریکه مولی الموحیدین علی (ع) سردار سپاه اسلام
 محمدی (ص) پس از جریان تحکیم، اول به خوارج پرداخت و سپس
 خواست تا با زبهر اغ معاویه دشمن رود و روی خود برود.
 "وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی"

* * *

۱- به درس چهارم سری مباحث عقیدتی، مکتبی (۲)

مراجعة شود.



این عکس مربوط به
صفحه ۱۸۱ باشد.



آیت الله شریعتداری



قاسطین (آمریکا ونوکرش مدا م) شکست خوردند
وبا همه قدرتشاں در آتشی که خودشان بها کردند
سوختند و عذاب دردناک خداوندی را به خود خریدند

پی افشای توطئه‌ننگین و آمریکایی‌پرانندازی حکومت جمهوری اسلامی، مردم مسلمان و
 بن اسلامیمان به خیابانها ریختند و با راهپیمائی‌های پرشکوه خود، ضمن ابراز تنفرو
 جار از عوادل خودفروخته این توطئه، از مسئولین خواهان اعلام کودتاجیان شدند.



شریعتمداری

۵

نتیجه گیری

سری مباحث عقیدتی، مکتبی

(۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ
رِيحُكُمْ (۱):

و اطاعت کنید خدا و پیا مبرش و هرگز راه اختلاف و تنازع
نیوشید که (قدرت و عظمت شما) نابود خواهد شد.
انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی
(این قلب تنیده و حرارت زای امت اسلام و این بارزترین
تبلور و تجسم حجت "الله" در زمین بیدار و پرمصلابت برسا حل
گسترده ای از سیل خروشان خون شهیدان ایستاده در حالیکه یک
لحظه از خیرگی به امواج خون غافل نمیگردد.) به پیروزی
رسید و امت شهید پرور و حزب الله (۲) کشورمان با این انقلاب
زنجیرهای اسارت را گسست و آزادانه برای رسیدن به مرحله
تکامل و سیر بسوی الله و خلیفه الهی در زمین (۳) و ایجاد

۱- آیه ۴۷، سوره انفال .

۲- أَلَا إِنَّ جُزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ، آیه ۲۲، سوره مجادله .

۳- وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أُئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ، آیه ۵، سوره قصص .

جامعه عدل و قسط (۱) گام برداشته و در این راه با بذل جان و فداکاری از هیچ کوشش فروگذار نکرد.

حال که در این هوای آزاد تنفس میکنیم و این آزادی را مرهون خون هزاران شهید و مجروح انقلاب اسلامی میدانیم. بهتر است جنگ به ریسمان الهی بزنیم و از تجارب بدست آمده در ادامه مبارزات برحق خود استفاده کرده و از بهانه‌حراف کشیده شدن انقلاب اسلامیان توسط استعمارگران و مستکبرین جهانی جلوگیری کنیم و امکانات رشد و تکامل هر چه بیشتر امتان را در مسیر الله به رهبری امام امت فراهم آوریم و نگذاریم دشمنان اسلام اختلاف و نفاق و تفرقه و ترس و جهالت که مجموعاً "آفات یک انقلاب و نهضت اند در بین امت مسلمان و انقلابی ایجاد کنند. فَأَعْتَبُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲):

یعنی: پس ای دارندگان بینش و بصیرت پند و عبرت گیرید. و آداب اسلامی را حفظ کنید با هم اختلاف نکنید (۳) زیرا با اختلاف تمام کشور از دست میرود (۴) اختلاف از شیطان است و اتحاد از خداست و رمز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ ، آیه ۱۳۵

سوره نساء

۲- آیه ۲، سوره حشر.

۳ و ۴- امام خمینی

ایران در مکتب و هماهنگی و اتحاد است. پس ای سپاهیان اسلام و امت حزب الله و شهید پرور "صَفَا" "كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ" (۱) باشید.

یعنی هماهنگ و متحد باشید و مبارزه مستمر را با استکبار ادامه دهید.

زیرا که آفت اسلام و مسلمین، آفت روی زمین، دشمن مستضعفین، دشمن علم و هنر، دشمن خلق و خدا، دشمن صلح و صفا، دشمن آئین و دین، دشمن راه امام، دشمن مایک کلام شیطان بزرگ آمریکای جهانخوا را استکبار جهانی است. آری خداوند ابرم میفرماید که مبارزه مستمر با استکبار را ادامه دهیم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ
أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا
جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِبْرَاهِيمَ
أَنْ تَوَّأَمُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا
فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ
بِالْمُودَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ
يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱):

۱- آیه چهارم سوره صف.

۲- آیات ۱ و ۲، سوره ممتحنه.

یعنی: ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید هرگز نبا‌ید کافران را که دشمن من و شما بیندیا را ن خودبرگرفته و طرح دوستی با آنها افکنید در صورتیکه آنان به کتابی که بر شما آمد یعنی قرآن حق، سخت کافر شدند و رسول خدا و شما مؤمنان را بجرم ایمان بخدا از وطن خود آواره کردند. پس نبا‌ید اگر شما برای جها دودر راه من و طلب رضا و خشنودی من بیرون آمده‌اید، پنهانی با آنها دوستی کنید و من به اسرار نهان و اعمال آشکار شما (از هر کس) دانا ترم" و هر که از شما چنین کند سخت به ضلالت شتافته است.

اگر تا دیروز انقلاب اسلامی ما به واسطه نوپا بودنش به سادگی مورد هجوم واقع میشد و هیچ مستضعف دلشکسته‌ای در دور افتاده‌ترین جای عالم جرأت دفاع از این انقلاب جهانی را نداشت، اینک به برکت رهبری نایب‌امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) حضرت امام خمینی روحی له الفداء و خون شهدای عزیزمان درخت پرشمره انقلاب چنان تنادرگشته و آنگونه در دل امت بزرگ اسلام ریشه دوانیده است که استکبار جهانی را دیگر یارای مقاومت در برابر سیل خروشان و توفنده صدور انقلاب نمانده است.

ضدانقلاب داخلی تمام نقشه‌های خود را بازی کرد، آمریکا تمام فشارهایی را که به عقل ناتوانش میرسید اعمال نمود،

نوجه‌های اودر عراق وسعودی و... هرچه مار از نوع "قادسیه" صدام "و" طرح فهد" داشتند از آستین بدر کردند! ما انقــــلاب خدائی ما همه این مارهای قلابی و بهرهای کاغذی را بلعید و نیست و نا بود کرد.

اینک ای امت مسلمان ورشید، ای ایثارگران وای خلق آزاد خدا، ای ملتی که نگاه رهبر میگوید الهی شده‌اید. قدر انقلاب شکوهمند اسلامی را بشناسید و آنرا با تمام جان پاس دارید. پیرو شدن در این همه آزمایش بزرگ کار آسانی نیست، که افتخارش نصیب ما گشته است.

البته شاید هنوز افرادی باشند که بزرگی کار را درست نشناسند لکن طرد لیبرالیسم و سردهسته این باند خطرناک و مرموز چیز ساده‌ای نبود.

همانطور که سرکوب عوامل منافق که زیر لوای طرفداری از خلق و مبارزهء ضد امپریالیستی تروریسم کور را به ارمغان آورده بودند حرکت عظیمی بود که آیندگان میتوانند قضاوت کنند.

اینان که هنوز پس از این همه فاجعه آفرینی، کامهای تشنه‌شان از خون بهترین فرزندان اسلام سیراب نشده‌است، آخرین نفسها را میکشند، در جبهه‌های خارجی، حزب بعث متجاوزان نوکر حلقه به‌گوش ابرقدرتها چنان سیلی محکمی از

امام امت و سلحشوران قهرمان مان خورد که دیگر هیچ کافر فاجری جرأت عرض اندام در برابر جمهوری اسلامی ایران را نکند.

حماسه آفرینیهای رزمندگان دلیرمان در طی این دو سال در جنوب و غرب کشور ارزشهایی را به ارمغان آورد که دنیا از این همه ایثار و از جان گذشتگی مات و مبهوت مانده است. آری، امسال با سال گذشته فرق میکند.

سالی که گذشت سال خون بود. سال ۱۳۶۰ سال حماسه بود سال به ذلت افتادن منافقین و دارو دسته غرب زده و افشای ماهیت انسانیهای دو چهره بود. سال گذشته سال به معراج رفتن مردان خستگی ناپذیری همچون شهید مظلوم بهشتی، مدنی، دستغیب، منتظری، رجائی، با هنر، چمران، وهزاران رزم آور دلیر اسلام در جبهه های داخل و جنگ با بعث کافر و متجاوز.

در سال گذشته دو خط گرایش به غرب و گرایش به شرق افشا شدند و در کوره آزمایشات سخت و سنگین، تاریخ بخوبی دید که سکه قلب چیست؟ و چگونه ملتی در مقابل تهاجمات وحشیانه مزدوران داخلی و دشمنان خارجی خود را از نومیسازد. سال گذشته یعنی سال ۱۳۶۰ هجری شمسی سال عشق بود. سال شهادت، سال ایثار، سال از خود گذشتگی،

سالی که تنها در یک قربانگاهش این امت همیشه در صحنه، ۷۲ شهید مظلوم در راه خدا قربانی داد. و هر روز و هر شبش در گوشه و کنار این کشور بهترین فرزندان انسان و قرآن با خون خود اولین صفحات تاریخ رهایی انسان از چنگال نظام خون ریز الحاد جهانی را نوشتند. سال گذشته سال تثبیت موقعیت نظام الهی جمهوری اسلامی ایران بود. در این سال ایران که به تعبیر امام خمینی یک موجود الهی شده بود. در مقابل تنها جماعت نظامی، توطئه‌های رنگارنگ براندازی، حملات نظامی مستقیم آمریکا به ایران در طیس، درگیریهای داخلی، موج بی‌سابقه تروریزم و بمب‌گذاری، جنگ سهمگین روانی، شبکه‌های پیچیده شایعه‌سازی، توطئه‌های رنگارنگ علیه روند اقتمادی به منظور ایجاد قحطی و بیکاری و ههارنگ و نیرنگ دیگر پیرکشیف استعمار، مقاومت کرد و مقاومت کرد و مقاومت کرد و با لاف استوار و پایداری و پیروز سر برآورده است تا زیر این آسمان آبی از آن رهائی بخش آغاز انقلاّب مستضعفین را فریاد کنند.

این تقدیر این امت شهید پرور و حزب الله ایران اسلامی

است.

واما امسال، سال انسجام بیشتر، کار بیشتر، گذشت بیشتر، ایثار بیشتر، خلاقیت بیشتر، ومهربانی بیشتر به منظور ایجاد جامعه‌ای است که باید پایگاه جهانی این انقلاب خونبار باشد.

احمال و سالهای آینده انشاء الله ما همه باید خود را از نو بسازیم، خود را و ایران را و جهان را آنچه خدا میخواهد، نه آنچه آنکه خودمان میخواهیم تا درس‌های آینده بتوانیم با پیروزی در جبهه گسترده جهان داکبر، شاهد گسترش سریع تر پیام انقلاب خونبارمان باشیم.

واما هشدارمان باد که فریب آفات و آفت زده‌ها و استکبار جهانی و دشمنان دوست نما و دوستان نادان و احمق را نخوریم و به راه ضلالت (سازش با شرق و غرب) نیفتیم. بلکه با شناخت کامل از اسلام از حدود خداوندی نگهبانی و پاسداری نمائیم و نخست آفت‌های درون خویش را از بین برده سپس آفت‌هایی که نهضت مقدس حسین بن علی (ع) و انقلاب شکوهمندمان را تهدید میکند خنثی کرده و از این طریق جمهوری اسلامی را تداوم بخشیم و اینک ما ئیم و این خونهای پاک، ما ئیم و این ویرانیهای جنگ، ما ئیم و اراده‌ای مصمم و استوار در برابرنا ملایمات و حوادث، بکوشیم با وحدت دقیق و آهنگین خود همراه با سازندگی و آبادانی، حکومت قانون را زیر لوای حکومت الله و رهبری ولی فقیه مصر،

امام خمینی مدظله العالی مستحکماً ترساخته و کشورمان را با
ابتکار و خلاقیت به خودکفائی برسانیم .

انشاء الله

"وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى"

قم حوزه علمیه

مرتضی نوروزی نقده ای

۱۷ رمضان المبارک ۱۴۰۲ هـ. ق -

برابر با ۱۳۶۷/۴/۱۸ هـ. ش

* * *

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
مشخصات کتاب	۱
اهداء و تقدیم	۲
پیشگفتار	۳
نخستین آفت انقلاب و نگهبانانش اختلاف است	۵
تاریخ از اختلافات قرون گذشته توسط استعمارگران سخن	
میگوید	۸
فرمایش گهربار امام در این مورد، به نویسنده کتاب	۱۳
اختلاف چـــــرا ؟	۱۶
نفاق دومین آفت انقلاب و پاداران اسلام	۲۲
نفاق چیست و منافق کیست ؟	۲۳
خطرناکترین دشمن برای اسلام	۲۴
بنی صدر لیبرال عملکرد نفاق گونه اش را تشریح کرده است	۳۴
مبارزه با نفس	۳۶
بهشتی چرا مظلوم نامیده شد ؟	۳۷
تشریح و تحلیل دورواستثنائی (از ۱۷ شهریور تا ۷ تیر)	۴۶
فاجعه اسف انگیز ۷ تیر ماه ۱۳۶۰ ه.ش	۵۵
طرحواستراتژی تحلیلگران آمریکا از سنن مختلف به مرحله	

۵۷	اجرا در آمد
۵۸	جاسوسان آمریکا جزو اعضای کابینه دولت موقت بازرگان
۶۴	با طرح چندپرسش ریشه های توطئه ۷۴ تیرماه شکافته میشود
۶۶	سخن، مسیرواهداف شهدای انقلاب اسلامی
۷۴	ترس و جهل، سومین آفت
۸۴	اظهارنکرانی رسول خدا از فقر فکری و جهالت امت
۸۸	چهارمین آفت، شناخت سه عنصر ناپاک و دوری جستن از آنان
۹۴	ناکشین
۹۸	قاسطین
۱۰۲	مارقین
۱۰۷	شریعتمداری یکی از ناکشین عصر حاضر
	با شناختن زبیر و علت سقوط وی شریعتمداری را بهتر
۱۰۸	بشنا سیم
۱۱۲	نتیجه گیری سری مباحث عقیدتی، مکتبی (۳)
۱۳۱	فهرست مندرجات

تقدیر و تشکر

بسم الله الرحمن الرحيم

جای بسی تقدیر و تشکر است از زحمات بیشماری که استاد محترم حضرت حجه الاسلام آقای مرتضی نوروزی نقدهای دام عزه از نگارش مجموع سری مباحث عقیدتی، مکتبی کشیده اند. و با اینکه ایشان در سطح بالانگارشان دارند و در خیل از جاها مباحث معارف اسلامی، علمی و... داشته و دارند، در نوشتن این کتب به این نتیجه رسیده اند که چون همگان در جامعه کنونی ما بتوانند از این مباحث و مطالب استفاده کنند بدین جهت ایشان مطالب را در این سری مباحث در سطح پائین و سبک ساده نوشته اند.

امیدوارم که انشاء... در راهیاددهی تعالیم عالیه اسلامی توفیقات الهی شامل حال ایشان گردد.

والسلام علی من اتبع الهدی

حوزه علمیه قم

ع . ن . ع

اهداء و تقدیم

این اثر قلمی ناچیز خویش را به پیشگاه بنیانگذار
جمهوری اسلامی ، سازنده و تربیت کننده و تزکیه کننده
جامعه بشری از لوث وجود عناصر نا پاک و حنشی
کننده آفات درونی و برونی یعنی امام امت مان ، امام
افقه ، امام اعدل ، امام اعلم ، امام اعظم ، امام اشجع ،
امام افصح ، امام افضل ، ابرمردی توانا ، فقیه
روشن ، مجتهدی آگاهی بخش ، حکیمی برجسته عالمی
فوق العاده شجاع ، متفکری با اراده آهنین ،
سیاست مداری موقع شناس .

بت شکن عصر ، منجی نسل ، حضرت آیه... العظمی
الخمينی مدظله العالی که آفات را ، صفات رذیله را ،
اختلاف و نفاق و خودخواهی و دسته بندیها و ... را بهر
شکلی که یافتند از بین برده و خنثی کردند
و هرگونه تسلیم شرایط شدن وجوهای سازشکارانه
غیر توحیدی را شکستند و...

تقدیم میدارم

حوزه علمیه قم

مرتضی نوروزی

نقده ای

